

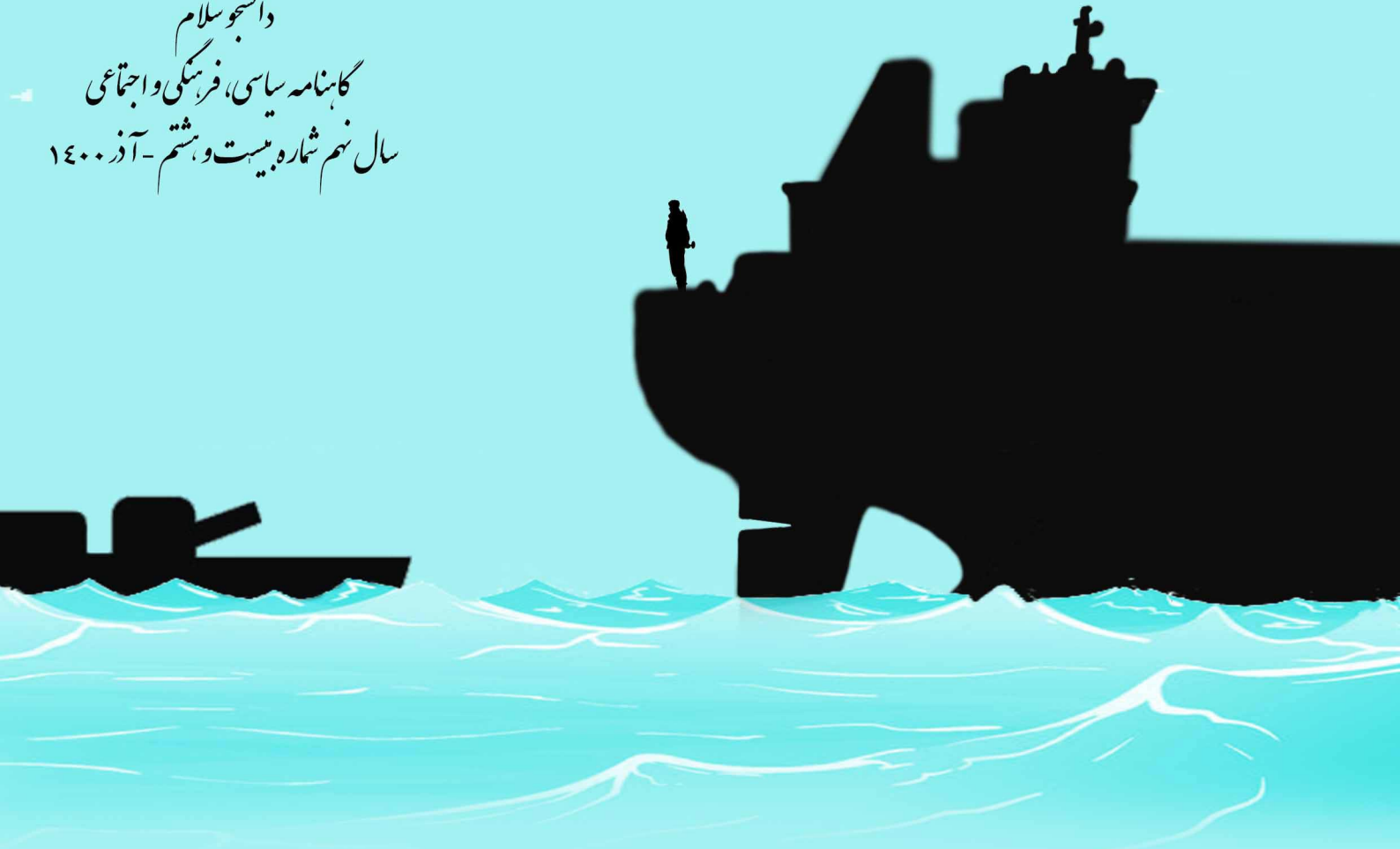
زمان بستر جاری عشق است تا انسانها را در خود به خدا برساند
و تمامی آنچه در زمان حدوث می یابد باقی است
شهید آوینی



دانشجو سلام

گاهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

سال نهم شماره بیست و هشتم - آذر ۱۴۰۰



پس از اوین، این بار نوبت سوخت رسید

هک سیستم‌های سوخت‌رسانی در آبان ۱۴۰۰

آتش بس قره باغ یا آتش پس قره باغ

مروری بر نزاع چندین ساله ارمنستان و آذربایجان بر منطقه‌ی قره باغ

ایران در دام اینستاگرام و جاسوسان

تحلیل سریال تلویزیونی سرجوخه

دانشجو سلام

گاهنامه سیاسی، فرهنگی اجتماعی

سال نهم، شماره بیست و هشتم، آذر ماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: فاطمه زهرا هراتی

سر دبیر: زهرا مهری

صفحه آرا: زینب نظری

طراح جلد: امیر سینا توانا

هئیت تحریریه

زهرا مهری، فاطمه خواجه، شهلا بهمن

آبادی، فاطمه رحیم پور، زینب سادات

علوی، امیر رضا طهماسبی، فاطمه روح

علمدار، شیوا قمری، لعیبا حسینمردی،

مهدیار نیکونام، محمدحسین بهزادفر،

سمانه میرزایی

فهرست

- | | |
|----|---|
| ۳ | بسیج؛ تشکلی دغدغه‌مند در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها |
| ۴ | پس از اوین، این بار نوبت سوخت رسید |
| ۶ | رؤیای احیای امپراتوری عثمانی |
| ۹ | جوانانی در مرداب جاهلیت |
| ۱۱ | مطهرنیا، معلمی به سان یک مادر |
| ۱۳ | آمریکا و کودتاهای نافرجام در خاورمیانه |
| ۱۴ | فرار از ارواح تا جشن هالووین |
| ۱۵ | آمریکا، دزد سرگردنه |
| ۱۷ | ایران در دام اینستاگرام و جاسوسان |
| ۱۹ | آتش بس قره باغ یا آتش پس قره باغ |
| ۲۰ | ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم |
| ۲۳ | کلمه‌ای ۴ حرفی، پر از حرف‌های نگفته |

بسیج؛ تشکلی دغدغه‌مند در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها

بزرگداشت هفته بسیج مستضعفین

زهرا مهری / کارشناسی مدیریت دولتی

کار ویژه بسیج

درواقع در تشکلهای بسیج به خصوص بسیج دانشجویی، سعی بر این است که دانشجویان، علاوه بر تحصیل، مطالعات حین تحصیل در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... یا درسی را اجرایی کنند، که این عملی شدن میتواند در سختی، نشریه، کار فرهنگی، مطالبه‌گری و... باشد. در واقع در بسیج سعی بر این است که، تفکرهای گوناگون در کنار هم و با همت هم، یکسری اهداف را پیش برده و برای دستیابی به آنها تلاش کنند. هر کس که در دل برای سرنوشت خود، سرنوشت این ملت و آینده ایران اسلامی ارزش قائل است آن کسی که برای استقلال و هویت ملت خود ارزشی قائل است، آن کسی که از تسلط قدرتهای بیگانه بیزار است، آن کسی که برایش آینده این کشور و این ملت و آینده دنیای اسلام یک هدف بزرگ محسوب می‌شود، آن کسی که از رنج‌های ملت فلسطین دلش خون است، آن کسی که مایل است بیش از یک میلیارد مسلمان دنیا قدرت این راه قدمی بردارد او بسیجی است.

پیام مقام معظم رهبری در روز ۱۹ آذر ۱۴۰۰، روز بسیج مستضعفین

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی با تبریک هفته بسیج، «همت بلند، خردمندی، درست‌اندیشی و توکل به خدا» را ابزارهای تجربه‌شده برای غلبه بر مشکلات کشور دانستند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هفته‌ی بسیج بر همگان مبارک باد، به ویژه بر رویشهای تازه و با طراوت بسیجی که همچنان مانند نسل پیش از خود، فرزندان محبوب امام راحل عظیم‌الشأنند. عزیزان! قدرشناس جایگاه خود باشید و بدانید که با همت بلند، و در پرتو خردمندی و درست‌اندیشی، و با اعتماد و توکل به خداوند دانا و توانا، می‌توانید در همه‌ی مسائل عمومی کشور و ملت، اثربخش و مشکل‌گشا باشید. این تجربه‌ی چند دهه‌ی ملت ایران است. و السلام علیکم و رحمۃ‌الله، سید علی خامنه‌ای

اول از همه باید تعریف دقیقی از بسیج شنیده باشیم، تا بتوانیم مصداق‌های آن را بشناسیم و دست به عمل بزنیم. بسیج چیزی فراتر از تشکلهاست، در کل مجموعه‌ای از افراد در کنار هم با کلیت بسیج، برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده تلاش میکنند و همه با هم، در کنار هم، اتحاد و اراده را نمایان میکنند. بسیج، فهم درست اتحاد، اراده و اخلاص مسلمانان است و هفته بسیج فرصتی است برای گرامی داشت فداکاری‌ها و جانفشانی‌هایی که برای سرافرازی سرزمینمان انجام شده‌است. در واقع بسیج با ظهور اسلام در میان ملت‌های مسلمان رشد کرده است و نمی‌توان گفت که بسیج فقط حاصل جنگ تحمیلی یا انقلاب اسلامی است بلکه تلاش حضرت امام خمینی (ره) و عدالت‌خواهی میلیون‌ها انسان باایمان باعث تبلور دوباره بسیج در عصر حاضر بود. مقام معظم رهبری در تعریف بسیج فرموده‌اند: «بسیج عبارت است از مجموعه‌ای که در آن پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده‌اند ... بسیج عبارت است از تشکیلاتی که در آن افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم، به یک مجموعه آگاه، متعهد، بصیر و بینا به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می‌شوند بسیج پدیده‌ای است دارای سازوکار مشخص و پیش از انقلاب، طرح شده بود که در سال‌های انقلاب این امر فعلیت یافت. بنا به صحبت‌های مقام معظم رهبری بسیج نماد وحدت یک کشور است، مظهر یک وحدت مقدس پایه‌های فکری بسیج مهمترین پایه فکری بسیج، داشتن احساس مسئولیت و بصیرت است؛ یعنی اینکه احساس مسئولیت کنیم در مقابل وطن، و با احساس خطر، خود را موظف می‌دانیم که اقدامی برای مقابله انجام دهیم، این همان احساس مسئولیت است، و هر یک اقدامی که در قالب تشکل بسیج انجام می‌دهیم، این همان احساس مسئولیت است، و هر یک اقدامی که در قالب تشکل بسیج انجام می‌دهیم، تنها با بصیرت باید همراه باشد.



پس از اوین، این بار نوبت سوخت رسید

هک سیستم‌های سوخت‌رسانی در آبان ۱۴۰۰

فاطمه خواجه / ارشد علوم قرآنی - اعجاز

کرده و به پایگاه‌های اطلاعاتی ویژه آن‌ها؛ پروژه‌ها، نقشه‌ها، تصاویر و طراحی‌های مهندسی، ماکت‌ها و اطلاعات فردی کارمندان آن نفوذ کردند. همچنین، در روز سه شنبه، همان گروه دست به حمله سایبری علیه وزارت جنگ رژیم صهیونیستی زد، و تصاویری شخصی از بنی گانتز، وزیر جنگ این رژیم منتشر کرد. یک روز بعد، جزئیات دقیقی شامل اسامی و عناوین شغلی، شماره تلفن و فیش حقوقی صدها سرباز و افسر اسرائیلی را با جزئیات حساسی مثل وضعیت عقلی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آن‌ها را نیز افشا کرد. در ذیل عکس‌های منتشر شده گانتز نوشتند: ((ما از همه تصمیم‌های تو آگاهیم و بالاخره به جایی نفوذ خواهیم کرد که انتظارش را نداشته باشی، این آغاز کار بود؛ ما اسناد محرمانه داریم که متعلق به وزارت دفاع و بنی گانتز است. اخبار، گزارش‌ها و نقشه‌های عملیاتی و اطلاعاتی از امکانات یگان‌ها و نیروهای آن‌ها را نیز در اختیار داریم، که به موقع آن‌ها را منتشر خواهیم کرد تا همه جهان را از جنایت‌های تو مطلع کنیم.))

سبایه سیاه

گروه دیگری که خود را «سبایه سیاه» می‌نامند، هفته گذشته هزاران داده از کاربران تارنمای «اتراف» را برای آشنایی هم جنس‌گرایان با یکدیگر طراحی شده بود را منتشر کردند؛ که واکنش‌های وسیعی را در داخل رژیم صهیونیستی به دنبال داشت. این گروه تهدید کرده بود که اگر یک میلیون دلار

آبان ماه ۱۴۰۰، شایعه رشد نجومی قیمت بنزین را طرح کردند و امروز سامانه هوشمند توزیع بنزین مختل شد. هدف این اقدامات ایجاد ارتباط بین ال‌ذهانی، بین حال و سال ۹۸ است. وقتی شبکه ملی اطلاعات نداشته باشیم، در فضای مجازی مستقل نباشیم؛ خیلی راحت تمام پمپ بنزین‌های کشور هک می‌شود، در حالی که هنوز درباره لزوم یا عدم لزوم طرح صیانت و سایر بدیهیات، صحبت می‌شود. جنگ‌های سایبری، همه کشورهای آینده نگر و هوشیار را بر آن داشته که تا می‌توانند از میزان وابستگی به شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بکاهند. البته حمله به سیستم هوشمند سوخت، شاید بخاطر حمله دوهفته پیش، به سایت دفاعی آمریکا و اسرائیل هم باشد؛ دوهفته پیش، مایکروسافت از دسترسی هکرهای ایرانی به اطلاعات شرکت‌های دفاعی آمریکا و اسرائیل خبر داده بود که البته در ایران به این خبر پرداخته نشد! هک سیستم‌های سوخت کشور در مقابل آن هک، مضحک است! مانند قدرت پوشالی شان، آمریکا در منطقه نتیجه‌ای نگرفته و بخاطر حفظ آبروی از دست رفته‌اش با سگ زنجیری‌اش اسرائیل دست به هر کاری می‌زنند.

عصای موسی

درواقع گروهی از هک‌رهای که خود را «عصای موسی» نامیده اند، سه شرکت مهندسی بزرگ رژیم صهیونیستی را هک

به آن ندهند این داده‌ها را منتشر خواهند کرد، روشن است که هدف گروه‌های هکر، که به سادگی مشغول نفوذ در حساس‌ترین نقاط رژیم صهیونیستی هستند، ضربه زدن به تصویری است، که «اسرائیل» از خود، برای شهرک نشینانش ساخته بود. این رژیم خود را قلعه‌ای در بسته با دیوارهایی بلند می‌دانست، که از جدیدترین فناوری‌های اطلاعاتی برخوردار است و نفوذ به آن، کاری ناممکن است. حال نه تنها از حفظ اسرار نظامی خود عاجز است، بلکه اسرار فردی شهرک نشینانش را نیز نتوانسته حفظ کند؛ که هر لحظه نگران افشای سوابق پلید خود در مقابل همگانند. در پی این ماجرا، سوخت ایران قطع شد، که رئیس صنف جایگاه داران سوخت کشور بیان کرد: ((از ساعت ۱۱ ظهر امروز پیامک دریافت کردیم که سامانه دچار اختلال شده است؛ این اختلال نه در تهران بلکه در استان‌های دیگر هم رخ داده بود؛ که باعث شد تا زمانی که این مشکل حل شود، سوختگیری بصورت آزاد باشد و همچنین خطاب به مردم گفتند که صبور باشند و در صورتی که نیازی به سوخت ندارند به پمپ بنزین‌ها مراجعه نکنند، چون هیچ پیش بینی برای حل مشکل وجود ندارد)) وزیر کشور اظهار کردند: ((اختلال در ارائه خدمات در برخی از پمپ‌های بنزین ناشی از یک اشکال فنی و سامانه‌ای است و به زودی رفع می‌شود؛ هیچ برنامه‌ای برای گرانی بنزین وجود ندارد؛ مردم هیچ نگرانی نداشته باشند)) در پی این مشکل راهبردهایی را برای مقابله با عملیات روانی دشمن در زمینه اختلال در جایگاه سوخت پیش گرفتند:

- ۱- اطلاع‌رسانی به موقع اخبار و تصمیمات مسئولین کشور با استفاده از منابع رسمی، جهت جلوگیری از مراجعه مردم برای دریافت خبر به کانال‌های معاند.
- ۲- اطمینان دادن به مردم در خصوص کافی بودن ذخایر بنزین و از برقراری مجدد سامانه سهمیه به محض رفع مشکلات پیش آمده در وزارت نفت، با نمایش روال عادی سوخت‌رسانی در سطح کشور.
- ۳- هشداردهی و شفاف‌سازی در مقابله با شایعات و اطمینان بخشی به مردم در خصوص عدم افزایش قیمت بنزین
- ۴- تلاش در راستای حفظ آرامش و مقابله با جریان‌های معاند، هم‌راستا با بروز ناامنی و اغتشاش.
- ۵- اهتمام در انتشار اخبار امیدبخش در راستای ایجاد آرامش و امنیت در سطح جامعه و خودداری از انتشار اخبار مایوس‌کننده.
- ۶- افزایش تاب‌آوری اجتماعی، با رویکرد طنز و نشر انتقادات کنترل شده.
- ۷- انتشار به موقع و انبوه اخبار، همسویا با مطالبات مردم به صورت جدی یا طنز برای اعتمادسازی نسبت به رسانه‌های خودی.
- ۸- پاسخ‌دهی به اخبار و شایعات منتشر شده جهت تزویر افکار عمومی، با ارائه مستندات تصویری. گرچه اقدامات لازم برای کنترل این بجهوحه صورت گرفت؛ منتها باید از ابتدا به امنیت سیستم‌های سوخت‌رسانی و انواع سیستم‌های امنیتی داخل ایران برای هک نشدن آنها توسط معاندین هشیار باشیم و اقدامات لازم را از همان ابتدا پی‌ریزی کنیم.

روایای احیای امپراتوری عثمانی

سیاست خارجی تهاجمی ترکیه در خاورمیانه: چالش‌ها و پیامدها

شهلا بهمن آبادی / دکتری علوم سیاسی



اردوغان در دوره ریاست بیست‌ساله خود بر ترکیه راهبردهای متفاوتی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی این کشور دنبال کرده است. او از زمان به‌دست‌گیری قدرت، در سال ۲۰۰۲ ابتدا به دنبال ایجاد عمق راهبردی ترکیه در کشورهای منطقه و به صفر رساندن تنش با همسایگان بود. با تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ شاهدش بودیم و بعد از آن مسائل و آشوب‌های سوریه، این سیاست به دست فراموشی سپرده شد و ترکیه به اتخاذ راهبردی متفاوت با آنچه پیش از آن اتخاذ کرده بود، به دخالت در کشورهای منطقه همچون عراق و سوریه روی آورد. بنابراین ترکیه از سال ۲۰۱۶ به بعد تغییراتی را در سیاست خارجی خود داشته‌است که به دنبال استقلال برخی اقلیت‌های قومی یا زبانی در کشورهای منطقه است؛ همچون مسئله استقلال ترک‌زبان‌های ایران و قبرس و مسئله استقلال کردهای عراق و ایران. سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترکیه طی سال‌های گذشته بیانگر رویکرد تهاجمی این کشور نسبت به همسایگان خود است. به طوری که بارها شاهد نگرش‌های تجزیه‌طلبانه از سوی اردوغان به‌عنوان یکی از مقامات بلندپایه و رئیس‌اجرایی این کشور در مواضع و سخنرانی‌هایش در مواضع و سخنرانی‌هایش بوده‌ایم.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا ترکیه به‌عنوان کشوری که خود سال‌هاست با مسئله گروه جدایی‌طلب کرد، (پ. ک. ک) روبروست و خطر تجزیه خودش را هم تهدید می‌کند طی سال‌های گذشته به دنبال همان مواضع و مسائلی در خاورمیانه است که در طرح خاورمیانه بزرگ و آنچه برنارد لوئیس مأمور انجام آن است، می‌باشد. بنابراین در نوشتار حاضر به علل تغییر راهبرد سیاست خارجی ترکیه طی زمامداری اردوغان پرداخته می‌شود تا آشکار شود که علل تغییر راهبرد سیاست خارجی این کشور از تنش زدایی با همسایگان به تنش‌زایی با همسایگان چیست و چه پیامدهایی را می‌تواند برای این کشور به دنبال داشته باشد.

تغییرات راهبردی سیاست خارجی ترکیه از تنش‌زایی

حزب عدالت و توسعه که به رهبری رجب طیب اردوغان، شهردار سابق استانبول در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تشکیل‌شده بود توانست در انتخابات پارلمانی این کشور در سال ۲۰۰۲ با کسب ۳۴.۲ درصد آراء به موفقیت چشمگیری دست یابد و بدون نیاز به سایر احزاب،

دولت تشکیل دهد. با روی کار آمدن این حزب سیاست خارجی ترکیه دچار تغییرات جدی شد. به طوری که این کشور با اعلام سیاست تنش صفر با همسایگان در نقش میانجی بین فلسطین و اسرائیل در سال ۲۰۰۷، حل و فصل مناقشات قفقاز ۲۰۰۸، بحران بالکان ۲۰۱۰-۲۰۰۹ ظاهر شد. در حقیقت تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این کشور عمدتاً سیاست غرب‌گرا و تک‌بعدی را در سیاست خارجی خود پیگیری می‌کرد اما با قدرت‌گیری این حزب و سیاست خارجی ترکیه نیز به سیاست خارجی چندبعدی مبدل شد و تدریجاً به دنبال بازبانی اقتدار دوران امپراتوری عثمانی بود. برای فهم چگونگی و سیر تحول و تغییر سیاست خارجی این کشور لازم است تحولاتی را که در این زمینه مؤثر بوده‌اند مورد بررسی قرار داد از جمله انقلاب انقلاب‌های عربی. انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱) با تغییر ساختارهای ژئوپلیتیکی و هویتی خاورمیانه و تحولاتی که در موازنه قدرت منطقه ای ایجاد کرد فرصت‌های کم‌نظیری را برای بازیگران منطقه‌ای به‌منظور بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ خود فراهم کرد. در این میان ترکیه به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای قدرتمند با بروز تحولات مربوط به انقلاب‌های عربی وارد میدان شد و در راستای پر کردن خلأ قدرت پیش‌آمده در منطقه گام برداشت. می‌توان این برهه از تاریخ را، عطفی در چرخش ترکیه از رویکردهای تعامل محور گذشته به رویکردهای تهاجمی و مداخله‌گرایانه دانست. با وجود کسب موفقیت‌های نسبی حزب عدالت و توسعه در برداشت از انقلاب‌های عربی، حوادث بعد از سال ۲۰۱۳ موازنه قدرت منطقه‌ای را علیه مواضع راهبردی ترکیه دگرگون ساخت. مجموعه

مجموعه رویدادهای این دوره موجب بحران‌هایی در سیاست داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه شد و نهایتاً اثبات شد که جذابیت مدل سیاسی ترکیه در جهان عرب بسیار محدود است و کارایی لازم را ندارد. البته طی سال‌های ۲۰۱۳ به بعد ترکیه با تحولاتی در داخل هم روبرو بود که هژمونی حزب عدالت و توسعه را به چالش کشید همچون اعتراضات پارک گزی در ژوئن ۲۰۱۳ که علیه روند اقتدارگرایی این حزب بود و با تضعیف پایه‌های سیاسی حزب توانست گزینه‌های سیاست خارجی این کشور را محدود کند. به‌علاوه فساد اقتصادی حزب حاکم و افشای آن در دسامبر ۲۰۱۳ شکاف بین اسلام‌گرایان، اردوغان و جماعت گولن پایه‌های کودتای نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶ را گذاشت. تظاهرات ۲۰۱۴ ترکیه علیه عدم تمایل حکومت به حمایت از کردهای کوبانی که مورد حمله داعش قرار گرفته بودند نیز سبب تضعیف حزب حاکم شد. نهایتاً در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ با ورود حزب کردی دموکراتیک خلق ها به پارلمان که موجب شکست انحصار قدرت حزب عدالت و توسعه شد، رهبران حزب حاکم به بهره‌گیری از گزینه‌های تهاجمی برای بازیابی اقتدار ازدست‌رفته خود بر سیاست خارجی روی آوردند. بنابراین روند منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر سه عامل اساسی شکل گرفت: نخست تغییراتی که در فضای سیاسی و امنیتی منطقه ای و بین‌المللی ترکیه شکل گرفت و دوم بحران‌های مالی جهانی و نیاز به بازارهای صادراتی همسایگان سوم تغییرات نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور تحت تأثیر اولویت‌های هویتی و شخصیتی نخبگان حزب عدالت و توسعه. در استراتژی خاورمیانه بزرگ در دولت بوش مطرح شد ترکیه به‌عنوان یک مدل دموکراسی اسلامی با اقتصادی نوپیرالیستی و با توجه به عضویتش در ناتو و اتحاد سنتی این کشور با آمریکا می‌توانست گزینه مناسبی در مقابل رشد جنبش‌های تکفیری در منطقه و نفوذ جبهه مقاومت تحت رهبری ایران باشد و با همراهی اسرائیل منافع راهبردی آمریکا را تأمین کند. بنابراین رهبران ترکیه نیز از استراتژی خاورمیانه بزرگ حمایت می‌کردند چراکه گمان می‌کردند گسترش نظمی آمریکایی مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی در خاورمیانه علاوه بر افزایش قدرت مانور آن‌ها می‌تواند بر وزن راهبردی این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا بیافزاید. اما ترکیه با گذر زمان با فراتر گذاشتن و با اتخاذ یک رویکرد ماجراجویانه و نسبتاً مستقل از ابتکارات خاورمیانه ای غرب فاصله گرفت. اما انقلاب‌های عربی چه تأثیری در

تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی دولت اردوغان داشت؟ یکی از پیامدهای مهم این انقلاب‌ها قدرت‌یابی بیش‌از پیش بازیگران غیردولتی همچون جبهه النصره، داعش، کردهای سوریه و عراق، حزب‌الله و حماس با پیگیری اهداف سیاسی، سرزمینی و ایدئولوژیکی بود. به‌علاوه بازیگران کرد منطقه به‌ویژه در سوریه و عراق نیز زمینه ظهور و بازیگری بیشتری یافتند و بنابراین جنگ‌های نیابتی نیز میان قدرت‌های بانفوذ خاورمیانه گسترش یافت. در نتیجه با فضایی که پس از انقلاب‌های عربی شکل گرفت اردوغان مدعی شد که خیزش‌های مردمی کشورهای عربی ملهم از ترکیه و دموکراسی آن کشور بوده‌است و مدل اسلام‌گرای ترکیه می‌تواند به تظاهرات مردمی اعتبار دهد. در این دوره شاهد تلاش رهبران ترکیه برای پیشینه‌سازی نفوذ و نقش خود در منطقه بودیم. اما فراگیر شدن اعتراضات مردمی، ترکیه را با چالش‌های جدی مواجه ساخت و بین دو رویکرد هنجار محور و منافع محور مجبور به گزینش کرده و این خود علت اصلی بازیابی آن‌ها در اصول و سیاست خارجی‌شان بود. بنابراین با حضور در کانون‌های بحران در خاورمیانه دستور کار جدیدی را براساس ابزارهای نظامی ترسیم کردند و از رویکردهای دیپلماتیک به مداخلات نظامی و امنیتی تغییر ابزار دادند. این‌جا بود که کشورهای عربی احساس کردند رفتارهای تهاجمی رهبران ترکیه در قالب دکترین نو عثمانی‌گرایی می‌گنجد و بنابراین ترکیه به خصوص از سوی پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس به‌عنوان یک تهدید جدی برای خاورمیانه عربی جلوه کرد. محاسبات نادرست رهبران ترکیه در خصوص جنگ داخلی سوریه نیز به امنیتی و ایدئولوژیک‌تر شدن چهره ترکیه در خاورمیانه منجر شد. چراکه این کشور سیاست‌هایی را جهت تجهیز نیروهای افراطی داخل سوریه موسوم به ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره و احرار الشام اتخاذ کرد. به‌علاوه سیاست‌های مجاز مرزی برای ورود نیروهای خارجی به سوریه نیز موجب تنش در روابط ترکیه با قدرت‌هایی چون روسیه، ایران و حتی دولت مرکزی عراق شد. بنابراین با وجود این که تا پیش از چنین رخدادهایی در خاورمیانه، رویکرد ترکیه در این منطقه مبتنی بر احترام به حاکمیت ملی کشورهای همسایه و عدم مداخله در امور داخلی آن‌ها بود اما اظهارات اردوغان که مسئله سوریه را از مسائل داخلی ترکیه می‌نامد نشان از تحول اساسی در سیاست خارجی این کشور دارد.

نو عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه

ترکیه همکاری‌های مختلف نظامی با ناتو و متحدین خود مانند آمریکا دارد. احداث پایگاه‌های متعدد نظامی ناتو در ترکیه، استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در این کشور، برگزاری مانورهای متعدد ترکیه با متحدین خود در ناتو، همچنین برنامه‌های متعدد همکاری ناتو با ترکیه از جمله برنامه اقدام برای همکاری استانبول-ناتو،

کشور جهت ارتقای جایگاه خود به دنبال دستیابی به توانمندی هسته‌ای است و در این راستا قراردادهایی با شرکت‌های روسی، ژاپنی و فرانسوی دارد. همچنین به منظور افزایش قدرت نظامی متعارف خود به عضویت در ناتو، پایگاه‌های نظامی ناتو و پایگاه رادار ناتو در ترکیه تکیه دارد. از این رو می‌توان هم‌پیمانی با قدرت‌های بزرگ از سوی ترکیه را به عنوان یک هدف و البته یک ابزار در راستای ارتقای جایگاه خود در منطقه در نظر گرفت. آنچه ترکیه به لحاظ ایدئولوژیکی بر آن متمرکز است و می‌توان آن را از گفتار و مواضع مقامات این کشور نیز دریافت، رهبری جهان اسلام و ایجاد وحدت و یکپارچگی میان کشورهای اسلامی است، چرا که این کشور به دنبال بازبانی اقتدار دوران امپراطوری عثمانی است. نو عثمانی‌گرایی که یک بعد آن در رهبری جهان اسلام خلاصه می‌شود، موجب شده است ترکیه در منطقه برای خود نقش رهبری منطقه و کشور الگو را قائل باشد. به همین خاطر گاه‌ها سخنانی پیرامون سرزمین عثمانی یا حمایت از برخی اقلیت‌های زبانی یا قومی را از مقامات این کشور و می‌شنویم.

بنابراین می‌توان گفت سیاست کنونی حزب عدالت و توسعه ترکیه و شخص اردوغان به عنوان رئیس‌جمهور این کشور، احیای خلافت اسلامی عثمانی است. در این راستا ترکیه یکی از حامیان تجزیه آذربایجان از ایران است که مدت‌هاست گوی سبقت را در این زمینه از باکو ربوده است. در واقع برگزاری نشست ۲۳ آذر ۹۸ در آنکارا با موضوع هفتاد و چهارمین سالگرد تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان، در چارچوب تلاش برای احیای خلافت عثمانی معنا می‌یابد. اما مهم‌تر از برگزاری چنین نشست‌هایی اقدامات رسانه‌ای و فرهنگی دولت ترکیه جهت رواج فرهنگ عثمانی، ملی‌گرایی اسلامی ترکی و همچنین ایجاد علاقه به ترکیه و خلافت عثمانی در میان آذری‌زبانان ایران است. بنابراین ساخت سریال‌هایی با مضامین تاریخی و عثمانی‌گری نقش مهمی در تغییر نگرش گروه هدف و گسترش نفوذ فرهنگی ترکیه در جوامع اسلامی چون ایران، سوریه و غرب لیبی خواهد داشت.

ادامه دارد...

همچنین برنامه‌های متعدد همکاری ناتو با ترکیه از جمله برنامه اقدام برای همکاری استانبول-ناتو، دیالوگ دریای مدیترانه و مواردی از این قبیل به عنوان ابزاری است که ترکیه با استفاده از آن می‌تواند در راستای حفظ موازنه قدرت در برابر رقبای منطقه‌ای خود همچون ایران و عربستان استفاده کند. این کشور علاوه بر اقداماتی که در جهت سیاست خارجی محافظه‌کارانه خود انجام می‌دهد، اهداف تجدیدنظرطلبانه‌ای را نیز در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند. تا بتواند از این طریق جایگاه خود را در نظم منطقه‌ای کنونی و در هدفی حداکثری، در آینده ارتقا دهد. در این راستا، ترکیه به ایفای نقش فعال در نظام منطقه‌ای خاورمیانه علاقمند است، به عنوان مثال می‌توان به نقش ترکیه در تحولات سوریه و ارتباط با گروه‌های معترض به ویژه اخوان المسلمین و ترتیب دادن کنفرانس‌هایی برای مخالفان نظام سوریه در ترکیه اشاره کرد. در نمونه‌ای دیگر می‌توان به تلاش‌های ترکیه برای ایجاد صلح میان فلسطین و اسرائیل اشاره کرد و ابتکار عمل مشترک میان ترکیه و پاکستان که براساس آن سازمان کنفرانس اسلامی میانجی‌گری بین اسرائیل و فلسطین را برعهده بگیرد. به همین ترتیب تلاش‌های صورت گرفته از سوی ترکیه جهت مدیریت تحولات در عراق، سوریه و یمن از جمله حضور این کشور در ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای و جهانی علیه تروریسم در راستای هدف تجدیدنظرطلبی و تغییر وضع موجود این کشورها است.

به علاوه اهداف تجدیدنظرطلبانه و برتری طلبانه‌ی این کشور را می‌توان در برخی از اسناد و گفتارهای مقامات ترکیه جستجو کرد. به عنوان نمونه سند چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه، این کشور را، به عنوان یکی از ۱۰ قدرت برتر اقتصادی جهان با تولید ناخالص داخلی دوهزار میلیارد دلاری و نرخ بهره تکریمی ترسیم می‌کند و راه‌های دستیابی به این اهداف در دکترین عمق استراتژیک داود اوغلو نیز اشاره شده است.

ارتقاء نقش و جایگاه ترکیه، اهداف و ابزارها

یکی از ابزارهایی که ترکیه برای حضور و دخالت مؤثرتر در منطقه و تغییر وضع موجود آن به نفع خود پیگیری می‌کند بحث ائتلاف سازی است. ترکیه با وجود مشارکت در ائتلاف‌های ایجادشده توسط آمریکا خود نیز تمایل به ائتلاف‌سازی دارد تا از این طریق جایگاه و نقش خود را در منطقه ارتقا دهد. عقد توافق‌نامه همکاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علوم و فناوری با کشورهای منطقه نیز در این راستا می‌گنجد.

از دیگر اهدافی که ترکیه در خصوص ارتقای نقش و جایگاه خود در منطقه دنبال می‌کند تضعیف رقبای منطقه‌ای از این کشور برای تضعیف ایران شیعی، از اخوان المسلمین و جریان میانه‌رو در سوریه و عراق حمایت می‌کند و در ائتلاف‌هایی که از سوی عربستان در منطقه علیه تروریسم ایجاد شده است حضور دارد. به علاوه این



جوانانی در مرداب جاهلیت

اعدام آرمان عبدالعالی پس از سالها، در سحرگاه روز ۳ آذر

فاطمه رحیم پور / کارشناسی ریاضیات دانشگاه محقق اردبیلی

آرمان عبدالعالی متولد نوزدهم اسفند سال ۱۳۷۴ در تهران، تحصیلاتش را در زندان ادامه داد و دانشجوی فوق لیسانس رشته مهندسی پزشکی شد. آرمان و غزاله در یک سفر خانوادگی به آنتالیای ترکیه در سال ۹۰ در زمین بسکتبال باهم آشنا شدند و دوستی‌شان ادامه پیدا کرد. به نقل از خبرگزاری ایسنا، غزاله شکور ۲۰ساله در روز ۱۲ اسفند ۹۲ برای مراجعه به دکتر از خانه بیرون می‌رود، ساعت ده شب پدر و مادر غزاله به کلانتری رفتند و گفتند دخترشان گم شده و در ادامه گفته بودند ساعت سه بعدازظهر برای مراجعه به دکتر پوست بیرون رفته و بعد از آن تلفن همراهش خاموش شده است. پلیس‌ها بعد از تحقیقات کوتاه دریافتند که غزاله بعد از ترک مطب سر قرار با آرمان به خانه‌شان رفته؛ دو روز بعد آرمان در دادگاه حاضر شد و ادعا کرد که دو روز پیش با غزاله تماس داشته ولی به خانه او نیامده همچنین گفت کل روز را به خاطر مصرف داروی ضد آلرژی در اتاق برادر کوچکش خواب بوده تناقض در اظهارات آرمان و ارائه مدارکی که میداد نشان می‌داد او با غزاله دیدار کرده است. سپس ادعا کرد به خانه‌اش آمده و هنگام برگشت به علت خستگی پله‌ها سر خورده و از سر و صورتش خون آمده اوهم بعد اینکه متوجه شد زنده نیست او را داخل چمدان چرخدار گذاشته و به سطل زباله انداخته؛ بعد از مدتی آرمان باز حرفش را عوض کرد و گفت او را با دستان خودش کشته، اینطور گفت که باهم جر و بحث کردیم او را هل دادم سرش به میله تخت خورد و من هم چند بار با میله بارفیکس به سرش کوبیدم، بعد جسدش را داخل چمدان گذاشته و به سطل زباله انداختم، و

باز هم حرفش را عوض کرد و گفت او را نکشته. آرمان علیرغم اصرارهای مادر غزاله که گفته بود در صورت گفتن مکان جسد دخترش از او می‌گذرد حاضر به گفتن نشد. حتی خدام حرم رضا (ع)، نیز با همراه داشتن پرچم متبرک گنبد ملاقاتی با خانواده شکور داشتند اما تلاش‌های آنان برای جلب رضایت بی‌فایده بود. بعد از همه‌ی کشمکش‌ها و تناقض حرف‌های آرمان و حاضر نشدن به افشای مکان جسد غزاله در سه آذر حکم اعدام او اجرا شد. مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: حکم قصاص آرمان عبدالعالی در پی تقاضا و عدم گذشت خانواده غزاله شکور و علیرغم تلاش‌های همسورت گرفته از سوی دستگاه قضایی، شورای حل اختلاف و فعالین فرهنگی و اجتماعی کشور طی سالهای اخیر به منظور جلب رضایت اولیای دم که تا آخرین لحظات هم ادامه داشت، در زندان رجایی شهر اجرا شد. این قضیه تنها گوشه‌ای از اتفاقات تلخ و ناگوار جامعه‌ی ماست که با شنیدنش غمی هر چند کوچک قلب آدم را می‌فشارد. رابطه آرمان و غزاله، رابطه‌ی خارج از چارچوب شرعی و اخلاقی بود، اگر آن‌ها نوع ارتباطشان را کنترل می‌کردند شاید آخر قصه‌شان آن همه غم‌انگیز نمی‌شد، آری درست است که قرار نیست آخر هر داستان دختر پسری به قتل و جنایت ختم شود، اما پیامدهایش انقدر زیاد و تدریجی ست که ذره ذره به زندگی انسان رخنه می‌کند. مهم‌ترین پیامد این روابط در جامعه مدرن این است که کم کم به نهاد رقیب خانواده تبدیل می‌شود و بنیان خانواده را متزلزل می‌کند، پیامدهایی چون زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی، بحران نسل، سوء ظن افراد نسبت به یکدیگر، خیانت، آسیب‌های روحی و جسمی، شکست

عاطفی و... این داستان و امثال این نمونه بارزی از روابط خارج از چارچوب دختر پسر است؛ خویشتن داری و کنترل میل سرکش انسان برای هر جنسیتی نیاز است که بعدها تبعات مخرب آن را در جامعه مشاهده نکنیم. اگر دختر پسری که در اوج سن نوجوانی و جوانی هستند به جای رشد و شکوفایی استعدادها، خودشان را در گیر این روابط بی حد و مرز و بی هدف بکنند به غیر از آسیب های روحی و از دست دادن فرصت های طلایی زندگی چیزی برایشان ندارد؛ و خداوند برای پاسخ دادن به نیازهای طبیعی و همچنین بقا انسان، ازدواج را نشان داده که سالم ترین و درست ترین راه برای این روابط است. واکنش ها نسبت به این قضیه متفاوت بود، عده ای اجرای حکم را حق می دانستند و عده ای می گفتند گذشت چیز خوبی است حداقل خانواده ای آرمان هم مثل شما غم فرزند نبینند، قضاوت ها و تهمت ها زیاد بود، که به غیر از آزردهن آن دو خانواده هیچ سودی نداشت. به غیر از واکنش های داخلی، رسانه های خارجی که همیشه کاسه داغ تر از آتش اند باز برای خودشان نسخه پیچیدند و این اتفاق را مثل ده ها اتفاقات دیگر تحلیل کردند و نظر دادند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان مدافع حقوق بشر اعدام آرمان عبدالعالی را نقض تعهدات بین المللی خواندند و در روز سه آذر سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان مدافع حقوق بشر اعدام آرمان عبدالعالی را نقض تعهدات بین المللی خواندند و در روز سه آذر سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل اعدام آرمان را «هشدارآمیز و شوک آور بودن» اعلام کرد. تا وقتی بحث تحریم و افغانستان و فلسطین و آدم کشی و... بود، سازمان های مدافع حقوق بشر و شورای حقوق بشر سازمان ملل سکوت اختیار کرده بود و بیانیه ای برای اتمام جنگ و تحریم نمی دادند اما تا وقتی زمان اجرای حکم قانونی و شرعی یک متهم شد بیانیه ها پشت بیانیه صادر می شوند و اعلام می کنند اعدام آرمان نقض معاهدات بین المللی ست! دشمنان برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی دیگر دست به تفنگ و اسلحه نمی زنند که وجهشان در میان ملل و کشورهای دیگر خدشه دار شود آن ها به وسیله تهاجم فرهنگی و رسانه ها جوامع اسلامی را مورد هدف قرار می دهند واز کوچک ترین اتفاقات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به نفع خودشان استفاده می کنند؛ تنها هوشیاری ملت ماست که می تواند ما را از شر اجانب حفظ کند، اگر جوانان این مرز و بوم با خودشناسی و تقویت روحیه و شخصیت اسلامی ایرانی در راستای پیشرفت و آبادانی کشورشان تلاش کنند و درگیر تهاجم های جوامع مدرنیته نشوند شکست خوبی برای آرزومندان سرنگونی نظام ماست. هنر آن است که از اتفاقات کوچک، درس های بزرگی گرفت، به امید اینکه دیگر آرمان و غزاله ها دیگر تکرار نشوند.





مطهرنیا، معلمی به سان یک مادر

مروری بر اقدامات خیرخواهانه‌ی خانم مطهرنیا در شهرستان سنندج

زینب سادات علوی / کارشناسی تاریخ

همه چیز از بیچار شروع شد. بیچار شهرستانی با بیش از ۱۳۰ هزار نفر جمعیت در شمال شرق سنندج. یک معلم در یک مدرسه‌ای کوچک در بیچار، یک مادر که در جایگاه یک معلم قرار گرفت و نتوانست چشمانش را به روی مشکلات فرزندانش ببندد. او تبدیل شد به مادر بیش از هزار کودکی که این روزها، یا با بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند و یا با فقر مواجه شده‌اند. معلم فداکاری که هدفش دیگر تنها باز کردن درهای علم به روی کودکان نبود بلکه هدفی بالاتر، آن هم ایجاد یک لبخند همیشگی روی لبان دانش آموزانش بود. امروز او را به عنوان معلم فداکار می‌شناسیم، خانم ثریا مطهرنیا معلمی که مهر و محبتش زبان زد همه شده‌است. آغاز، زبان زد شدن محبت، مهر و فداکاری او از پیگیری روند درمانی یک دخترک خردسال آغاز شد و حالا به گفته خودش هزار و صد کودک زیر نظرش هستند. ثریا مطهرنیا ماجرای ورود خودش به کارهای خیر را اینگونه می‌گوید: (محل کارم روستای همایون در شهرستان بیچار بود. روستایی که مشکلات زیادی در آنجا وجود داشت. در زمان تدریسم در آن روستا با دختر دانش آموزی آشنا شدم که در دوران کودکی در حادثه‌ای دچار سوختگی شدیدی شده بود. در آن زمان دانشجوی دوره ارشد بودم و در تهران درس می‌خواندم. نمی‌توانستم زجر کشیدن این

این دختر بچه را ببینم و کاری نکنم، بارها به خانه پدرش رفتم و با آن‌ها صحبت کردم تا اینکه موفق شدم رضایتشان را بگیرم. روند درمانی این دختر خیلی طولانی بود و هنوز پیش از گذشت چند سال درمانش ادامه دارد.) معلمی شغل انبیاست، شغلی که وابسته به عشق است، درست مثل ماجرای مطهرنیا. مطهرنیا کیست؟ ثریا مطهرنیا اهل کردستان است و در روستای حسن تیمور، آموزگاری می‌کند. مطهرنیا معلم ۳۷ ساله‌ای با ۲۳ سال سابقه خدمت در روستاهای محروم استان کردستان است. او دارای مدرک آموزش ابتدایی، مدیریت دولتی، مدیریت برنامه ریزی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، حقوق بین الملل و دکترای برنامه ریزی می‌باشد. ثریا مطهرنیا معلم ریاضی، زبان فارسی، هنر، علوم و الهیات است. او گفته است سه نیروی اصلی که او را به جلو سوق داده است؛ مطالعه، مراقبت از افراد ضعیف، و تمایل به ایفای نقش در ارتقای جامعه است. به محض فارغ التحصیلی از دانشگاه، شغل معلمی در روستایی در شهر سنندج به او محول شد. ایشان حین خدمتشان تحت تأثیر وضعیت دانش آموزانش قرار گرفت و مسیرش از یک معلم به یک خیر تغییر پیدا کرد. او حتی با داشتن دو فرزند، در تابستان خانه خود را تبدیل به مکانی برای آموزش به دانش آموزانش کرد.

موسسه خیریه مطهرنیا

تشویق والدین، ثریا مطهرنیا را به سمت تاسیس یک موسسه خیریه سوق داد. او امروز به ۱۱۰۰ دانش آموزی که

مشکلات پزشکی و تحصیلی دارند کمک می‌کند ولی اقداماتش به همین جا ختم نمی‌شود و برای زنان نیز شغل ایجاد می‌کند. مطهرنیا در طی رخدادهای زلزله و سیل که برای مردم ایران در کرمانشاه و لرستان و... رخ داد آرام ننشست و کمک‌های خود و موسسه‌اش را از مردم کرمانشاه و لرستان دریغ نکرد.

اقدامات آموزشی مطهر نیا

پس از مدت کوتاهی در اولین تجربه خدمتش در بیجار، متوجه شد که دانش‌آموزان از مشکلات متعددی رنج می‌برند، از جمله مدرسه فرسوده و کمبود امکانات، ضعف شدید آموزشی، نرخ بالای ترک تحصیل به دلیل فقر، بیماری و سوء تغذیه. ثریا فقط معلم نبود، گاهی مجبور می‌شد به عنوان مدیر مدرسه نیز باشد؛ پس، بیش از پیش با خانواده‌های دانش‌آموزانش در ارتباط بود. او با مشارکت روستاییان و مسئولان آموزش و پرورش توانست مدرسه‌ها را به سامانش را به یک مدرسه مدرن تبدیل کند و روش‌های آموزشی جدید را در مدرسه خود ارائه دهد تا سطح کیفیت علمی دانش‌آموزانش ارتقا پیدا کند. روش‌های آموزشی نوآورانه‌ای از طریق فعالیت‌های سرگرم‌کننده ارائه داد تا با تشویق دانش‌آموزان باعث توسعه بهتر علم شود. او با استفاده از منابع اینترنتی، انیمیشن، موشن گرافیک و... همچنین با برپا کردن سفرهای کمپینگ علمی به دانش‌آموزان کمک کرد تا دنیای بیرون را درک کنند. نتیجه این تلاش‌های او در موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان او دیده می‌شود، بسیاری از آنها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه به مشاغل و مشاغل تخصصی می‌روند. او معتقد است که بزرگترین دستاورد او کاهش تعداد دانش‌آموزانی بود که قصد ترک تحصیل داشتند.

کار آفرینی

مطهرنیا معتقد است منشاء مشکل اصلی بسیاری از کودکان بیکاری والدین آنهاست. او در این باره می‌گوید: یک سری از بچه‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند در هزینه تحصیل مشکل دارند، وقتی با آنها آشنا شدم با کمک خیرین برخی از مشکلاتشان را حل کردیم اما وقتی بیشتر در زندگی آنها وارد شدم فهمیدیم مشکل اصلی بیکاری خانواده است. از همان جا بود که این فکر به ذهنم خطور کرد تا برای اشتغال پدر و مادرها هم کاری کنیم. مطهرنیا در صحبت‌های خود اشاره می‌کند: ((بیجار در تولید فرش و گلیم و به فرش آهنی معروف است و فرش‌هایش جز استثناهاست؛ در این حوزه بیجار فضای مناسبی برای کار دارد؛ پس بیکار ننشستیم و با کمک خیرین یک کارگاه خیاطی راه اندازی کرده‌ایم. خوشبختانه در حال حاضر حدود ۳۰ خانم در این کارگاه مشغول به کار هستند و در حال حاضر

کمک‌های درمانی و پزشکی مطهرنیا

مطهری نیا گوشه‌ای از مشکلات دانش‌آموزانش را به این شکل حل کرده است.

ساناز، محمد، آیتا، زانیار، رضا، محمد یوسف و سیصد کودک بازگوش دیگر که در گوشه‌ای از خانه‌هایشان در بستر بیماری هستند امروز مطهرنیا تمام آنان را شناسایی کرده‌است اما برای حمایت از همه آنان نیاز به کمک تمام خیرین داشت. ثریا مطهرنیا در جریان سفر استاندارد کردستان اوضاع این کودکان را برای ایشان شرح داد و از ایشان کمک خواست. این معلم فداکار با از خودگذشتگی‌اش مشکل سارا شاگردش که در کودکی بر اثر سوختگی ناشی از آب داغ از ناحیه سر، صورت، دست و پا دچار مشکل شده بود را پیگیری کرد و نزدیک به ۱۵ عمل جراحی بر روی سارا انجام شد. مطهرنیا با آنکه دستش خالی است اما مسیر خود را رها نکرده است و با کمک خیرین دیگر به کمک دانش‌آموزانش می‌پردازد. مطهرنیا می‌گوید: چند بار در جشنواره الگوهای برتر کشور رتبه اول را به دست آوردم. از این اتفاق خیلی خوشحال بودم نه اینکه نفر اول شده بودم بلکه به این خاطر که با رسانه‌ای شدن این موضوع می‌توانستم خیرین بیشتری پیدا کنم تا با کمک آنها مشکلات فرزندانم را برطرف کنم.

معلم جهانی

ثریا مطهرنیا، جزء ۱۰۰ فینالیست برتر جایزه جهانی معلم بنیاد غیرانتفاعی انگلیس در ۲۰۲۱ است. این معلم ایرانی در ابتدا در فهرست (varkay) وارکی ۵۰ برگزیده جایزه جهانی معلم در سال ۲۰۲۱ به عنوان معتبرترین جایزه معلم جهان قرار گرفت و سپس توسط داوران این بنیاد در فهرست نهایی ۱۰ معلم برتر جای گرفت تا شانس خود را برای کسب جایزه یک میلیون دلاری قطعی کند؛ جایزه‌ای که می‌تواند بخشی از مشکلات بچه‌های محروم را در زمینه‌های مختلف برطرف کند. جایزه جهانی معلم بنیاد وارکی، بیش از ۸۰۰۰ نامزد از ۱۲۱ کشور جهان دارد. مطهرنیا بی‌شک یکی از الگوهای حاضر است که به معنای واقعی کلمه اقداماتش بیانگر این است که می‌توان با جیب خالی هم به هموطنان خود کمک کرد. همانطور که امام خمینی می‌فرمایند: نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. نقش بسیار حساس و مهمی است؛ و مسئولیت بسیار زیاد دارد. و خانم مطهرنیا به خوبی به ارزش این جایگاه پی برده‌اند.



آمریکا و کودتاهای نافرجام در خاورمیانه

ترور نخست وزیر عراق، آقای الکاظمی

امیررضا طهماسبی / کارشناسی علوم سیاسی

پشت تمامی این ماجرا کیست؟

متهم اصلی در ماجرای حمله به منزل الکاظمی آمریکایی‌ها هستند که فعلا به نظر می‌رسد برای خروج افراد آمریکایی از عراق تحت فشار هستند و اتفاقا بیشترین اصرار بر اجرای مصوبه پارلمان در این خصوص را نیز همین گروه‌های مقاومت دارند. بی‌دلیل نیست که جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا یکشنبه شب در بیانیه‌ای با محکومیت ترور نافرجام الکاظمی، گفت که به تیم امنیت ملی‌اش دستور داده است در این زمینه امنیتی عراق کمک کنند و سپس این ادعا را هم اضافه کرده که واشنگتن قاطعانه در کنار مردم و به نیروهای دولت عراق برای حمایت از استقلال و حاکمیت این کشور، خواهد ایستاد. به هر صورت کاملا مشخص است آنکه پشت این عملیات بوده نمی‌خواسته آقای الکاظمی آسیبی ببیند ولی می‌خواسته یک هدف سیاسی را دنبال کند. حتی برخی کارشناسان پا را فراتر گذاشته و خود آقای الکاظمی را متهم می‌کنند که این جریان را از کانال نیروهای استخبارات عراق که مطیع او هستند، راه انداخته تا به تظاهر کنندگان فشار بیاورد و آن‌ها را از پیگیری جریان روز جمعه و نتایج انتخابات منصرف کند. بنده بیشتر باور دارم که کار، کار آمریکا و اسرائیل و متحدین آن‌ها بوده چون آن‌ها بیشترین سود را از به هم خوردن اوضاع در عراق می‌برند. استفاده از پهپاد برای انجام این عملیات هم قطعا به این دلیل می‌باشد که آن‌ها برنامه‌هایی در آینده برای مقابله با تملک پهپاد توسط گروه‌های مقاومت دارند و می‌خواهند این جریان را بهانه کنند تا به دنبال خلع سلاح الحشد الشعبی مخصوصا در زمینه پهپادی بروند. همچنین آن‌ها احتمالا به دنبال آن هستند که به بهانه این جریان نیروهای امنیتی عراق عملیات سرکوب تظاهر کنندگان و بازداشت مسئولین گروه‌های جبهه مقاومت را شروع کنند و در نهایت کار یا، به درگیری نظامی میان گروه‌های الحشد الشعبی و

نیروهای دولتی کشیده شود یا اینکه الحشد الشعبی کاملا خلع سلاح گردد. اگر به همه مسائل مرتبط به جریان این ماجرا نگاهی بیاندازید متوجه می‌شوید همه جوانب این عملیات ترور نا فرجام به نفع آمریکا و اسرائیل و متحدان عرب آن‌ها در منطقه می‌باشد. اعلام آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه خواهان همکاری با نیروهای امنیتی عراق برای تحقیق در این جریان هستند نیز به این دلیل می‌باشد که آن‌ها می‌خواهند مطمئن شوند جریان تحقیقات چگونه که آن‌ها می‌خواهند جلو خواهد رفت و اگر جایی رد پای از آن‌ها و یا اسرائیل و یا متحدینشان باقی مانده آن را از بین ببرند؛ سابقه هم نشان داده که آمریکایی‌ها در این زمینه استادکار هستند. به این دلیل به نظر می‌آید ایران و الحشد الشعبی باید هر چه سریعتر به کمک نیروهای امنیتی عراق برای انجام تحقیقات در این زمینه بیوندند و به آن‌ها کمک کنند، و تا قبل از اینکه پازل‌های توطئه چیده شود آن را در نطفه خاموش کنند. وزارت کشور عراق اعلام کرد که سه فروند پهپاد عملیات ترور و سوء قصد نافرجام به جان «مصطفی الکاظمی»، نخست وزیر در اقامتگاه وی را انجام دادند. سرلشکر «سعد معن»، مدیر رسانه‌های این وزارتخانه با انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی نوشت که هدف قرار دادن اقامتگاه نخست وزیر یک اقدام تروریستی کاملا مردود است. وی توضیح داد که سوء قصد به جان الکاظمی به وسیله سه هواپیمای بدون سرنشین انجام شد و شنیدن صدای انفجار و تیراندازی ناشی از سرنگونی دو فروند از آن‌ها بوده است. آن‌ها این سوال را مطرح می‌کنند که چگونه سامانه سیرام خاموش بود و هیچ واکنشی نشان نداد؟ برخی کاربران نیز فعال نشدن سیرام آمریکا را به طنز و شوخی گرفتند و نوشتند: سامانه ضد هوایی سیرام عذرخواهی می‌کند، زیرا فعال نشدن آن به دلیل قطعی برق و پرداخت نکردن پول به صاحب ژنراتور بود. همچنین برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی عراق با دقت در تصاویر منتشر شده از صحنه سوء قصد نوشتند: منزلی خالی و بدون اسباب و اثاثیه را به عنوان خانه مصطفی الکاظمی به نمایش گذاشتند.



ILNA PHOTO
Photo:Leyla Sadat Aghili

فرار از ارواح تا جشن هالووین

تاریخچه‌ی هالووین و فلسفه‌ی آن

فاطمه روح علمدار / کارشناسی مدیریت صنعتی

تسخیر کند. بنابراین آن‌ها با گفتن جمله خدا حفظت کند سعی بر محافظت از فرد مورد نظر داشتند. از دیگر اعتقادات آن‌ها این بود که اولین شخصی که در شب هالووین یک تیغ از تنه درخت، پیدا کند زودتر از بقیه حاضرین در آن مراسم ازدواج خواهد کرد، یا دختران جوان در این جشن در مقابل آینه‌هایی در اتاقی تاریک می‌ایستادند و با نور شمع چهره‌های همسر آینده‌شان را می‌دیدند. در هالووین، زمانی اعتقاد بر این بود که ارواح به جهان هستی بازمی‌گردند، مردم تصور می‌کردند که اگر خانه خود را ترک کنند با ارواح روبرو می‌شوند. برای جلوگیری از این رویارویی، مردم در طول شب ماسک‌هایی به صورت می‌زدند تا ارواح آن‌ها را نشناسند یا آن‌ها را با آشناهای خود اشتباه بگیرند و به آن‌ها حمله نکنند. همین موضوع نقطه عطفی بود برای استفاده از ماسک‌ها در جشن‌های هالووینی که

این روزها شاهد آن هستیم

هالووین امروزی

امروزه این جشن در اکثر کشورهای خارجی برگزار می‌شود اما عمدتاً در کشورهای ایرلند، انگلستان، آمریکا، فرانسه و کانادا شاهد آن هستیم. جالب است بدانید که آمریکایی‌ها سالانه چیزی حدود ۶ میلیارد دلار برای هالووین هزینه می‌کنند که پس از کریسمس تبدیل به دومین روز تعطیل و تجاری سال در این کشور شده است. در این جشن مردم و هنرمندان لباس شخصیت‌های مختلف محبوب را به تن می‌کنند، شیرینی‌های خوشمزه می‌پزند و کدوهای هالووینی تزئین می‌کنند. در واقع هالووین ۲۰۰۰ سال قبل که از ترس و وحشت برگزار می‌شد، به جشنی لذت‌بخش و زیبا برای کودکان و جوانان تبدیل شد. چند سالی است که در بین هنرمندان ایرانی هم شاهد جشن گرفتن هالووین هستیم. آن‌ها با انتشار عکس‌هایی با گریم‌های خاص هالووینی در فضای مجازی این جشن را به طرفداران خود تبریک می‌گویند.

هالووین یکی از روزهای تعطیل در تقویم میلادی است، که هر ساله مردم سی و یکم اکتبر را جشن می‌گیرند. امسال هم این مراسم مصادف با نهمم آبان ماه تقویم کشورمان بود که هنرمندان ایرانی، خارجی، مردمان عادی، با نوعی گریم‌های متفاوت هالووینی و لباس‌های جالب، آن را جشن گرفتند. ریشه هالووین به حدود ۲۰۰۰ سال قبل، در سرزمین سلطنت برمی‌گردد. منطقه‌ای که اکنون در کشورهای ایرلند، انگلستان و شمال فرانسه واقع شده است. مردم سلطنت، یا به تعبیر دیگر سلت‌ها، سال نو خود را در یکم نوامبر، جشن می‌گرفتند. آن‌ها معتقد بودند یک روز قبل از شروع سال جدید، مرز بین دنیای مردگان و زندگان برداشته می‌شود. ارواح از دنیای مردگان به دنیای زندگان وارد شده و محصولات، مزرعه‌ی آن‌ها را نابود می‌کنند. به همین علت سلت‌ها هر ساله روز سی و یکم اکتبر را جشن می‌گیرند. آن‌ها آتشکده‌های بزرگی به راه می‌اندازند، لباسهای محلی به تن می‌کنند، میزهای بزرگی با انواع خوراکی‌ها می‌چینند تا از ارواح پذیرایی کنند؛ با اینکار سعی داشتند آن‌ها را سرگرم کرده که به سمت مزرعه و یا محصولات نروند. با دعا و ورد خوانی سعی در ترساندن و دور کردن ارواح داشتند. این جشن هر ساله به این شیوه اجرا می‌شد تا سال ۴۳ پس از میلاد مسیح، که امپراتوری روم، قلمرو سلطنت را به تصرف درآورد، او این جشن سنتی را با جشن سنتی رومی‌ها که برای تقدیر و ستایش خداوند، میوه‌ها و درختان، برگزار می‌شد؛ ادغام کرد. از آن پس هالووین جشنی برای بزرگداشت و گرامیداشت مردگان خداوند و طبیعت شد

خرافات هالووین

سلطنتی‌ها معتقد بودند اگر شخصی در شب هالووین عطسه کند روح او از بدنش جدا خواهد شد و ممکن است شیطان روح او را

آمریکا، دزد سرگردنه

دزدی نفتکش آمریکا از نفتکش ایرانی

شیوا قمری / کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات

با اقدام به موقع و مقتدرانه نیروی دریایی سپاه، عملیات نیروی دریایی تروریست آمریکا برای سرقت نفت ایران در دریای عمان شکست خورد. نفتکش که حامل نفت ایران است در تاریخ ۲۵ اکتبر در بندر عباس ایران پهلو گرفته است. آمریکا در این اقدام یک نفتکش را که حامل نفت صادراتی ایران بود در آبهای دریای عمان مصادره کرد و با انتقال محموله نفت آن به یک نفتکش دیگر آن را بسوی مقصدی نامعلوم هدایت کرد. همزمان دلاور مردان نیروی دریایی سپاه با اجرای عملیات هلی‌برن بر روی عرشه نفتکش آن را به تصرف خود درآوردند و آن را بسوی آبهای سرزمینی ایران هدایت کردند. در ادامه نیروهای آمریکا با استفاده از چندین فروند بالگرد و ناو جنگی به تعقیب نفتکش پرداختند اما با ورود قاطعانه و مقتدرانه نیروهای جان برکف سپاه ناکام ماندند. نیروهای آمریکایی مجدداً با امکانات بسیار و با استفاده از چند ناو جنگی بیشتر تلاش کردند مسیر حرکت نفتکش را سد کنند که باز هم موفق نشدند. بازتاب جهانی رسانه‌های مختلف در در زمینه شکست آمریکا در دزدی از نفتکش ایران: ۱- شبکه خبری «ای بی سی نیوز» طی گزارشی ادعایی را به نقل از دو مقام آمریکایی مبنی بر توقیف یک نفتکش با پرچم ویتنام مطرح کرد. ۲- تارنمای «نیوزویک» به نقل از رسانه‌های داخلی ایران نوشت: نیروهای آمریکایی یک نفتکش حامل نفت ایران را توقیف و محموله آن را به نفتکش دیگری منتقل کردند اما با انجام عملیات انتقال هوایی (هلی‌برن) بر روی عرشه نفتکش توسط نیروهای دریایی سپاه پاسداران عملیات دزدی دریایی آمریکا خنثی شد این رسانه آمریکایی به نقل از دو مقام دفاعی این کشور مدعی شد نیروهای آمریکایی تنها نظاره‌گر این اتفاق بودند و با نیروی سپاه پاسداران مقابله نکردند. ۳- شبکه خبری «سی بی اس نیوز» گزارش داد که واشنگتن تلاش نیروی دریایی آمریکا برای دزدی یک نفتکش حامل نفت را رد کرد. ۴- نشریه «مترو» نیز بیانیه سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه منتشر ساخت و به نقل از این بیانیه نوشت، با اقدام به موقع و مقتدرانه نیروی دریایی سپاه، عملیات نیروی دریایی تروریست آمریکا برای سرقت نفت ایران در دریای عمان شکست خورد. نفتکش که حامل نفت ایران است در تاریخ ۲۵ اکتبر در بندر عباس ایران پهلو گرفته است. این رسانه

به فارس اخطار داده است. نیروی دریایی سپاه پاسداران گشت زنی را در این منطقه افزایش داده است تا امنیت حرکت کشتی‌های ایرانی را تامین کرده و همچنین با قاچاق سوخت مقابله کند. ۵- روزنامه «نیویورک تایمز» نیز طی گزارشی در این رابطه عنوان کرد: مقامات ایرانی اعلام کردند که آمریکا یک نفتکش را که حامل نفت ایران بوده، در تاریخ ۲۴ اکتبر مصادره کرد، ولی حمله کماندوهای ایران باعث شد این نفتکش بازپس گرفته شود. ۶- خبرگزاری رویترز نیز در گزارشی به نقل از تلویزیون دولتی ایران نوشت: سپاه پاسداران تلاش آمریکا برای توقیف یک نفتکش حامل نفت جمهوری اسلامی در دریای عمان را ناکام گذاشت. ۷- شبکه «ان بی ان» لبنان نیز به نقل از شبکه العالم گزارش داد که نیروی دریایی سپاه پاسداران تلاش «دزدی دریایی» آمریکا برای سرقت نفت ایران در دریای عمان را خنثی کرده است. این شبکه لبنانی اضافه کرد که نیروهای آمریکایی یک نفتکش ایرانی حامل مشتقات نفتی را در آبهای دریای عمان توقیف و با انتقال محموله نفتی آن به یک نفتکش دیگر، آن را به مقصد نامعلومی هدایت کردند اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انجام عملیات هلی‌برن بر فراز عرشه این نفتکش بطور مستقیم عملیات مخالف را انجام داد و نفتکش مذکور را پس از توقیف به آبهای سرزمینی ایران هدایت کرد. شبکه «ان بی ان» لبنان ادامه داد: پس از آن نیروهای آمریکایی با استفاده از چند فروند بالگرد و یک کشتی جنگی به تعقیب نفتکش پرداختند اما تلاش آن‌ها ناکام ماند. ۸- این خبر در سایر رسانه‌های عربی از جمله «شرق الاوسط»، «اثر پرس» سوریه، «روسیه الیوم»، «ارم نیوز امارات» بازتاب گسترده‌ای داشت. واکنش چند تن نمایندگان ایران در دزدی از نفتکش ایرانی: تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در توییت‌هایی با هشتگ «از آبان ۵۸ تا آبان ۱۴۰۰» به اقدام نیروی دریایی سپاه پاسداران در شکست آمریکا به دنبال دزدی نفت ایران واکنش نشان دادند. علی حدادی نماینده مردم طالقان و ساوجبلاغ در مجلس شورای اسلامی در توییتش نوشت: امروز تروریست‌های آمریکایی گوشه‌ای از علت حضورشان در منطقه که همان دزدی و غارت ثروت کشورهای منطقه است را نمایان کردند. غافل از اینکه اگر دست متجاوزی به دزدی دراز شود مردان این سرزمین آن را از بازو قطع خواهند کرد! اقتدار ایران از آبان ۵۸ تا آبان ۱۴۰۰. احمد نادری نماینده مردم کرد! اقتدار ایران تهران در صفحه شخصی خود در توییتش نوشت: ابرقدرتی که زمانی



دولت‌های منطقه را با اشاره انگشت جابجا می‌کرد، با قدرت انقلاب اسلامی ایران، امروز به قدری حقیر شده که حتی در سبقت یکنفتکش هم عاجز است. تحقیر تاریخی آمریکا نتیجه از آبان ۵۸ تا آبان ۱۴۰۰ اقتدار تاریخی ایران است. خدایوت به دلاوران سپاه. محمد حسن آصفری، نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی در صفحه شخصی خود در توئیتر، نوشت: زمانی که آمریکا به نفتکش ایرانی دستبرد زد قطعا در بالاترین سطح آمادگی نظامی و منتظر پاسخ ایران بود. اینکه سپاه در چنین شرایطی عملیات کرده و نفتکش دوم را بازگردانده نشان از اوج اقتدار نظامی ایران است. نهالی که در بان ۵۸ کاشته شد، امروز درختی تناور شده است. از آبان ۵۸ تا آبان ۱۴۰۰. هادی بیگی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در توئیتری، نوشت: دزدی دریایی آمریکا در واقع اعتراف به بی‌اثر شدن تحریم‌ها است که در نتیجه به اقدامات مذبحانه نظامی روی آورده این حمله مستقیم آمریکا به معیشت مردم ایران است که با پاسخ قاطع سپاه تبدیل به رسوایی دیگری شد. از آبان ۵۸ تا آبان ۱۴۰۰. آمریکا با به کارگیری جنگ سخت در تقابل نفتی با کشور ایران سعی بر آن داشت به جبران تضعیف اثرگذاری تحریم‌ها علیه فروش نفت ایران بپردازد، به ویژه از زمان به کار آمدن دولت سیزدهم و دوبرابر شدن صادرات ایران در زمینه نفت سعی بر آن داشت با انتقال نفتکش حامل نفت صادراتی. و با انتقال محموله نفت آن به یک نفتکش دیگر آن را به مقصدی نامعلوم هدایت کند. که در این میان با هوشیاری نیروی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، این سناریوی آمریکا همانند سناریوهای طراحی شده دیگر برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شد و بازتاب جهانی نیز در رسانه‌های مختلف با خود به همراه داشت.

منابع

۱: <https://www.isna.ir>

۲: <https://www.farsnews.ir>



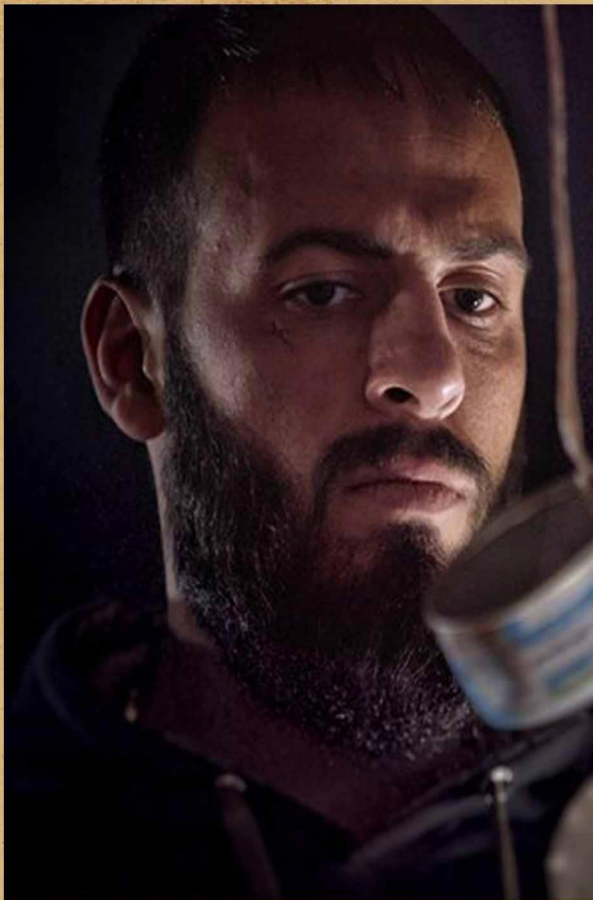
ایران در دام اینستاگرام و جاسوسان

تحلیل سریال تلویزیونی سرجوخه (اینفلوئنسرهای اینستاگرام)

لعیا حسینمردی / کارشناسی علوم سیاسی

سریال تلویزیونی جدید شبکه سه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، با نام سرجوخه، به کارگردانی احمد معظمی و به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری و با بازی نقش‌آفرینان حسین امیر جهانی، سامان صفاری، نازنین کیوانی، پیام احمدی‌نیا، هژیر سام و فرزین حاجی‌پور با ژانر سیاسی-اجتماعی - جاسوسی و امنیتی به روی آنتن رفته است. صفری: «انتخاب نام سریال به جوخه‌های ترور و کلونی‌های ترور برمیگردد». این سریال، روایتگر دو شخصیت متفاوت به نام‌های غلامرضا و کیان است که دارای شخصیت‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و شرایط زندگی متفاوت هستند؛ اما در عین حال هر دو به سمت علایق خود وارد وادی ترس، وهم و پیچیدگی زندگی اجتماعی می‌شوند. داستان جذاب و پرکشش سرجوخه، به سخن کارگردان سریال، منجرکننده و کلیشه‌ای نیست؛ بلکه داستان زندگی تک تک ماست، مسئله، مسئله‌ی جدایی‌ناپذیر فضای مجازی نیست. به گفته معظمی، مخاطب باهوش این دوره، دنبال کلیشه‌های همیشگی نیست بلکه دنبال زندگی مدرن است. برخلاف سریال‌های دیگر، سرجوخه دیده شد، شنیده نشد، (مخاطب امروزه به دنبال سریال‌هایی می‌گردد که می‌خکوب‌کننده باشند در حالی که اکثر سریال‌های تلویزیونی در ایران تبدیل به کلیشه‌های همیشگی شدند به همین دلیل بیشتر شنیده می‌شوند تا دیده شوند). این سریال‌می به بررسی همزمان دو داستان سایت‌های شرط‌بندی و گروهک‌های پردازد که به گفته کارگردان سریال کیان تروریستی می و غلامرضای داستان ما قرار است با هم تلاقی کنند. داستان دو کاراکتر نه سیاه سیاه و نه سفید سفید از قشرهای مختلف شهر، به قولی شاخ‌های اینستاگرام که به روایتی همان اراذل اوباش مدرن و لوتی‌های پایین شهر هستند. زمانی شاخ بودن در محله‌ها و گردن کشیدن برای مردم بود اما حالا تبدیل شده به جلوه‌نمایی در اینستاگرام. هر جای زندگی بشر را که نگاه کنیم باز به بحث شیرین یا تلخ، نمیدانم! پول می‌رسیم؛ می‌خواهیم پولدار بالای شهر باشیم، می‌خواهیم لوتی پایین شهر باشیم، شاخ اینستاگرام باشیم حتی می‌خواهیم معمولی‌ترین فرد جهان باشیم، پول مسئله جدایی‌ناپذیر زندگی ماست، اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود، زندگی بشر با پول گره خورده اما مسئله جدیدتر آنکه، پا به عصر جدید نهاده که تا به حال نظیرش نبوده، آن هم مسئله عجیب، تاثیرگذار فضای مجازی است. با شیوع کرونا و ویروس عصر تکنولوژی جای پای خود را در زندگی بشر بخصوص کوچکتر هله محکم کرده و تبدیل به نهادی ضروری در زندگی آنها شده، جدای از جنبه آموزشی و فواید آن، معایب بسیار مخربی در آینده خواهد داشت که به برخی از آنها در سریال اشاره شد. در قرن حاضر، فضای مجازی از تاثیرگذارترین وسایل‌های ارتباط جمعی محسوب می‌شود که تا کنون موجود بوده، اما از همه مهمتر آنها، اینستاگرام است+ که چند سالی است شروع به نفوذ در زندگی بشر کرده و هنوز هم روبه گسترش است، تا به حال حتی فیسبوک و توئیتر توانایی اقناعی به این بالایی نداشته‌اند که

اینستاگرام داشته، به همین خاطر سریال سرجوخه به آنها می‌پردازد. از جمله آنها شاخ‌های اینستاگرام هستند که زندگی آنها بسی عجیب به نظر می‌رسد، سوال اینجاست که به قول بازیگر سریال چرا یک شاخ اینستاگرامی باید این همه فالوور داشته باشد اما سرپرست ناسا خیر؟ چه می‌شود که یک آدم معمولی که کار خارق‌العاده‌ای نمیکند باید سه چهار میلیون فالوور داشته باشد اما سرپرست ناسا حتی دویست هزار تا هم فالوور ندارد؟ بحث اینجاست، این دوره دیگر دوره به رخ کشیدن عجایب نیست، این دوره دوره تاثیرگذاری است، دوره جذب کردن است، دوره به رخ کشیدن است، نمی‌گوییم خوب است یا بد فقط می‌گوییم هست. این سریال به خوبی روی این مسئله کار کرده و با زیرکی سعی در آگاه کردن مردم درباره این مسئله بسیار مهم دارد. از انواع این تاثیرگذاری‌ها سایت‌های شرط‌بندی است که زندگی برخی شهروندان را به خود گره زده، آیا واقعا لازم است؟ دوباره بحث به سمت پول باز می‌شود، که از نهادهای جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است، آیا فقر ریشه آن است؟! یا شرایط زندگی اجتماعی باعث آن زندگی ما در عصر حاضر بسیار پیچیده شده، دلیل آن هم حرص و طمع خود ماست، این سریال به خوبی این مسئله را به تصویر کشیده، فرق نمیکند لوتی پایین شهر باشی تا به بهانه عروسی خواهر و عمل مادر حاضر به کشتن کسی بشی، یا شاخ پولدار اینستاگرام باشی طمع، طمع است! شاید به نظر استفاده از اینستاگرام به حرف مسئله‌ای نباشد، اما این سریال با زیرکی تمام نشان می‌دهد که زندگی یکسری آدم که معلوم نیست واقعبینت زندگی آنها چیست؟ حرف آنها در حقیقت چیست؟ و هدفشان از این کار چیست؟ الگوی زندگی نوجوانان ما شده است. آیا این مسئله تا کجا ادامه خواهد داشت؟ این هم مشخص نیست؛ عجیب نیست که چنین چیزهایی را بشنویم که نوجوانی از خانه فرار کرده؟ یا خودکشی کرده؟ عجیب نیست که فرهنگ سنتی ما از بین رفته باشد، یا زندگی ایرانی اسلامی دیگر مورد توجه نباشد. نوجوان این عصر دیگر مطیع کامل نیست، دیگر چشم و گوش بسته نیست پس باید راه را به آن نشان داد تا در این دنیای گریگ بازار به دست شکارچیان نامرد نیافتد. در جنبه دیگر این سریال بحث جاسوسی و تروریستی به میان می‌آید که آن هم بحث برانگیز است. سال هاست که بعد انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس کشور ما، هنوز که هنوز است با مسئله تجاوز به حریم کشور مواجه است و دست و پنجه نرم میکند، هنوز خون‌هایی است که



برای دفاع از کشور ریخته می‌شود اما مورد توجه واقع نمی‌شوند. اما این جدای از مسئله فضای مجازی و اینستاگرام نیست، بلکه تا حدی با هم همپوشانی دارند به همین واسطه هم هست که کارگردان خاطر نشان کرد که در ادامه داستان این دو شخصیت با هم تلاقی خواهند کرد. همانطور که مستخضر هستید فضایی از بی‌اعتمادی در کشور حاکم شده است که بخشی از آن هم به خاطر همین اینستاگرام است، تأثیری که باعث شده نوجوانان از آینده خودشان در کشور ناامید شوند و به مهاجرت فکر کنند، اوضاع از این هم پیچیده‌تر است که ما آن را بیان میکنیم. این سریال به این مسئله اشاره میکند که برای استفاده از هر چیزی باید ابتدا آن را شناخت، فرهنگ استفاده از آن دانست و آن را مورد مطالعه قرار داد و سپس با استراتژی از آن استفاده کرد، این راهکار مربوط به بزرگسالان میشود، همانطور که مشاهده میکنید هر دو شخصیت داستان ما بزرگسالانی هستند که روی پای خودشان هستند و به خود متکی هستند، حالا چه برسد به این که ما این چنین فضاهایی را در اختیار فرزندانمان بگذاریم در حالی که هنوز خودمان فرهنگ استفاده از آن را نمی‌دانیم. آدم بزرگسالی مثل غلامرضا که به طوری مرد خانسان است در دام این چنین گرگ‌هایی افتاد چه برسد به فرزندان چشم و گوش بسته ما، که خدا نکند در دام آنها بیفتند. غلامرضا در این سریال فرد بسیار بلند پرواز است، بلندپروازی عیب نیست اما گاهی می‌تواند آدم را دچار طمع کند و عقل و هوش را از سر آدم ببرد، این هم از تأثیرات اینستاگرام می‌تواند باشد، همین اینفلوئنسرها هستند که با به نمایش گذاشتن زندگی حتی دروغین خود باعث روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی در افراد میشوند و فاجعه به بار می‌آورند. از نقاط عطفی دیگر که میتوان به آن اشاره کرد نام بردن از نام شهید مفریان در این سریال بود، همانطور که اشاره کردیم در طی سال‌های متمادی کشور بسیار مورد هجوم قرار گرفته است، که البته در حوزه‌ای خود ما میتوانیم مقصر این قضیه باشیم، زمانی که خود را در برابر دشمنان ضعیف جلوه میدهیم و برای پول حاضریم کشور خود را بفروشیم چنین تعارضاتی قابل پیش بینی خواهد بود. اما هنوز در صحنه هستند کسانی که خود را فدای سرزمینشان میکنند و از جمله آنها شهید مفریان می‌باشد، که به دست تروریستان شرور و وطن فروش به شهادت رسیدند، و چه حیف که ما مردان ارزشمند کشور خود را به هیچ به کشتن دهیم، طمع، خودخواهی، به تصویر کشیدن این موضوعات در کنار دیگر سریال‌های تلویزیونی کلیشه‌ای واقعا بسیار عمل خوبی بود، به گفته خود کارگردان هم «کار یک هنرمند، طرح مسئله به شیوه به تصویر کشیدن آن است، تا هم مردم و دولتمردان را هوشیار کند اما رسیدگی به آن و پیدا کردن راه حل برای آن کار دیگری است.» عمل عوامل این سریال برای طرح چنین مسئله‌ای بسیار مفید بوده اما کافی نیست، این مسئله آنقدر بزرگ، پیچیده و مهم هست که صرفا آگاهی دادن صرفا کافی نیست، بلکه بسیار جدی است که باید به آن رسیدگی شود. هدف این سریال به خوبی مشخص است، البته صرفا یک سریال محدود قسمتی است که روزی به پایان خواهد رسید اما آوازه آن باید بعدها به گوش خیلی‌ها برسد، تا بلکه به خود بجنبند و کاری از پیش ببرند وگرنه رسالت این سریال به پایان نخواهد رسید.

آتش بس قره باغ یا آتش پس قره باغ

مروری بر نزاع چندین ساله ارمنستان و آذربایجان بر منطقه‌ی قره‌باغ

مه‌دیار نیکونام / کارشناسی اقتصاد

در کنار هم قرار می‌دادند تا سرگرم نزاع‌های قومی بشوند. بطور مثال، از یک‌ها را در کنار تاجیک‌ها، چچن‌ها را در کنار اینگوش‌ها و در ناحیه‌ی قفقاز نیز، برای کنترل آذری‌ها، بخشی از این جمعیت شیعی‌ی مسلمان را که در منطقه‌ی قره‌باغ می‌زیستند، کوچ دادند و به جای آن‌ها، در اطراف قره‌باغ، بخشی از نیروهای ارمنی را مستقر کردند. در طی مدت‌ها و با افزایش جمعیت ارمنی‌ها و اختلافاتی که پیش آمده بود، حس درگیری در این منطقه افزایش یافته و بالاخره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این زخمه کهنه، سر باز می‌کند. کمی عقب‌تر می‌رویم، در سال ۱۹۱۸ میلادی، منطقه‌ی نخجوان توسط ارمنی‌ها از خاک آذربایجان جدا گردید اما با اعلام خودمختاری، تابع جمهوری آذربایجان شد. پس از فروپاشی شوروی و آغاز جنگ ارمنستان با آذربایجان، ارتباط زمینی بین باکو و نخجوان قطع گردید. هرچند که هدف از جنگ از سوی جمهوری آذربایجان، بازپس‌گیری قره‌باغ کوهستانی اعلام شده؛ ولی احتمال هدفی مخفیانه وجود دارد. باتوجه به اشغال کمی از خاک ارمنستان در استان سیونیک توسط آذربایجان، این مسئله پیش می‌آید که آیا جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان، یک جمهوری را تشکیل خواهند داد؟

منابع: خبرگزاری فارس، خبرگزاری خبرآنلاین

قره‌باغ. نه یک موضوع داخلی بلکه بین المللی است؛ سخنگوی وزارت خارجه ارمنستان در روز شنبه ۱۵ آبان ماه گفت: نمی‌توان با کاربرد زور، مناقشه قره‌باغ را از دستور کار بین الملل خارج ساخت. به نوشته‌ی وبگاه (نیوز آرمینیا)، حکمت حاجی اف (دستیار رئیس جمهور جمهوری آذربایجان) روز جمعه گفت: مناقشه قره‌باغ پایان یافته است. قره‌باغ دیگر یک موضوع سیاست خارجی نیست، بلکه یک موضوع در دستور کار داخلی است. واهان هونیان (سخنگوی وزارت خارجه ارمنستان): ارمنستان بارها موضع خود را در قبال مسئله‌ی قره‌باغ اعلام کرده. که یعنی موضع ارمنستان با موضع جامعه بین الملل همخوانی دارد. جنگ سال گذشته بر سرمنطقه‌ی قره‌باغ کوهستانی در تاریخ نهم نوامبر ۲۰۲۰ (۱۹ آبان ۱۳۹۹) با توافق آتش بس به امضای (نیکول پاشینیان) رئیس جمهور ارمنستان و (الهام حیدرعلی اف) رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و (ولادیمیر پوتین) رئیس جمهور روسیه پایان یافت و روسیه به عنوان میانجی این توافق بود. البته مسئولان جمهوری آذربایجان، به خصوص الهام علی اف، مدتی پس از امضای توافق آتش بس قره‌باغ، به تنش آفرینی مرزی و توسل به پروپاگاندا (تبلیغات با اهداف خاص) و اظهارات جعلی برای زمینه‌سازی ایجاد کریدور زنگه زور روی آوردند. (کریدوری از نخجوان به جمهوری آذربایجان) در توافق آتش بس، ارمنستان پذیرفته که مسیرهای بسته‌ی حمل و نقل را بین بخش غربی آذربایجان با نخجوان باز کند؛ ولی هیچ جای آن از ایجاد یک کریدور در امتداد مرز ارمنستان با جمهوری اسلامی ایران حرفی زده نشده. در صورت ایجاد این کریدور، ایران از دسترسی به مسیر ترانزیتی ارمنستان محروم می‌شود. آراارات میرزویان (وزیر امور خارجه ارمنستان) گفت: (به رغم توقف خصومت‌ها در راستای بیانیه سه جانبه‌ی ارمنستان، روسیه و آذربایجان در نهم نوامبر ۲۰۲۰، وضعیت همچنان ناپایدار است؛ زیرا آذربایجان به برخی تعهدات مندرج در بیانیه ذکر شده عمل نمی‌کند.) اما نگاهی به مرز جمهوری اسلامی ایران در شمال غربی می‌اندازیم، منطقه‌ی نخجوان (ایالت خودمختار جمهوری آذربایجان) که حدود ۴۵۰ هزار نفر جمعیت دارد از سرزمین اصلی جدا افتاده و باریکی‌کشور ارمنستان بین نخجوان و جمهوری آذربایجان حائل شده. در این باریکه، استان ارمنی سیونیک قرار دارد. منطقه‌ای که با ایران مرز دارد. این مرز یکی از کوتاه‌ترین مرزهای جهان است که طول آن حدود ۳۵ کیلومتر است. (کمتر از فاصله‌ی کرج تا تهران!) یکی از خواسته‌های جمهوری آذربایجان، دسترسی به نخجوان از راه زمینی و کنترل جاده‌های آن است. یکی از نتایج از بین رفتن مرز ایران با ارمنستان برای ایران، از دست دادن مسیر مستقیم ترانزیتی به اروپا است. سوال مهمی که پیش آمده این است که چه چیزی باعث این موقعیت شد؟ وقتی که به صفحات دفتر تاریخ نگاه می‌اندازیم، منطقه‌ی قفقاز در طول تاریخ به سه حوزه‌ی تمدنی واگذار شده است. اولین حوزه‌ی تمدنی، مربوط به ایرانیان بوده، دومین حوزه مربوط به عثمانی‌ها و اما سومین حوزه مربوط به روس‌ها و شوروی سابق بوده. روش حکومتی روس‌ها بدین صورت بوده که برای کاهش هزینه‌های حکومت و عدم جلب توجه قومیت‌ها به حکومت مرکزی، اقوام را باتوجه به پیشینه‌ی درگیری،



قرار داد ننگین کاپیتولاسیون



ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می کنم

مروری بر تاریخچه ننگین کاپیتولاسیون در ایران

محمدحسین بهزادفر / کارشناسی حقوق

سابقه‌ی کاپیتولاسیون در ایران

یکی از پیامدهای ننگین سلطه‌ی استعمارگران بر ایران، تحمیل کاپیتولاسیون بر کشور بود. تعریف ساده‌ی این اصطلاح در دایره‌المعارف‌های فارسی، تحت مدخل کاپیتولاسیون چنین ذکر شده است: «وضع ناشی از قراردادهایی که دول زورمند و استعمارگر، خاصه در قرن نوزدهم به دول ضعیف تحمیل می کردند و به موجب آن قراردادهای، اتباع دولت‌های استعماری پس از ورود به قلمروی دولت ناتوان، تحت حاکمیت محاکم دول متبوع خود باقی می ماندند و محاکم کشور ضعیف حق محاکمه‌ی آنها را نداشتند». ریشه‌های تاریخی کاپیتولاسیون در ایران به قریب یکصد و پنجاه سال پیش از دوره‌ی موضوع این نوشتار برمی گردد. در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) و در پی شکست ایران از روسیه در دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روسیه، قراردادی تحت عنوان ترکمنچای در سال ۱۲۴۳ ه. ق بین مقامات مسئول به امضا رسید که بر اساس یکی از مفاد آن، کاپیتولاسیون بر کشور ما تحمیل گردید و اتباع روس در ایران از مصونیت‌های خاص برخوردار شدند. اما در دوره‌ی تاریخی مد نظر ما، رفرمی که به نام «انقلاب سفید» در ششم بهمن ۱۳۴۱ از سوی شاه و به دستور آمریکا (در چهارچوب طرح «اتحاد برای توسعه» کندی) ارائه شد، نه تنها توفیقی به دست نیارود؛ بلکه در زمینه‌های بسیاری موجب درهم شکستن بنیان‌های اقتصادی کشور نیز شد. از سوی دیگر، نهضتی که با رهبری امام خمینی آغاز گشت، به منزله‌ی هشدار به آمریکا بود که دریا بد این نهضت به انقلابی خونین و دامنه دار علیه ایالات متحده و رژیم دست نشانده‌اش در ایران خواهد انجامید. این دو امر، دولت مردان آمریکایی را مصمم به احیای کاپیتولاسیون و برقراری «حق قضاوت کنسولی» در ایران کرد تا نظامیان آمریکا، با امنیت خاطر، از منافع کشورشان در این منطقه از جهان و همچنین تاج و تخت پادشاهی مستقیماً حمایت کنند. این پیشنهاد در اسفند ماه ۱۳۴۰ و پیش از آغاز رفرم شاه، از سوی آمریکا به ایران تسلیم شد، اما به عللی پیگیری جدی آن تا پس از قیام خونین ۱۵ خرداد متوقف شد. اوج گرفتن نهضت امام خمینی و گزارش کارشناسان آمریکایی که دال بر توفیق نیافتن رژیم شاه در فرونشاندن نهضت و جلب رضایت توده‌ها بود، موجب شد که این طرح، مجدداً پیشنهاد شود و رژیم برای تصویب آن، تحت فشار قرار گیرد.

انا لله و انا الیه راجعون؛ من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تأثرات قلبی روزشماری می کنم که وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کرده‌اند؛ عزا کردند و چراغانی کردند؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای این‌ها بودم این چراغانی‌ها را منع می کردم؛ می گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند... مطالعه پیرامون کاپیتولاسیون در تاریخ معاصر ایران هرگز تکراری و کهنه نخواهد شد؛ چرا که این موضوع نقطه‌ی عطف شکل‌گیری نهضت اسلامی در ایران گردید؛ که سرانجام بزرگ‌ترین تحول سیاسی تاریخ معاصر جهان را به وجود آورد. بنابراین هرچه پژوهش‌ها در باب قضیه‌ی کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۲ و تبعات و جوانب آن بیش تر و عمیق تر شود، بر غنای مباحث تاریخی و نظریات مربوط به انقلاب اسلامی افزوده خواهد شد. از جمله مقاطع مهم و حساس مبارزات و نهضت امام خمینی، سال ۱۳۴۳ بود. رژیم با تغییر نخست‌وزیر در استانه‌ی آن سال و آزادی غافلگیرانه‌ی امام در فروردین ۴۳، در صدد برآمد چالش میان روحانیت و نظام حاکم را مرتفع سازد و با این تصور، تدابیر خاصی نیز اتخاذ گردید تا در رسانه‌های دولتی چنین انعکاس یابد که آزادی امام به کناره گیری ایشان از عرصه‌ی مبارزه و سیاست منوط بوده است. از این رو، یاران و وفاداران نهضت بی‌صبرانه منتظر بودند تا ببینند امام در قبال این تبلیغات و شایعات چه واکنشی از خود نشان می دهد. بررسی وقایع این دوره، صرف‌نظر از فرآیند تاریخی نهضت روحانیت، از این منظر - که رژیم در صدد برآمده بود تا با روحانیت خصوصاً با امام خمینی به تفاهم و آشتی دست پیدا کند - اهمیتی مضاعف می یابد؛ به‌ویژه آن که در پایان این دوره قیام امام علیه کاپیتولاسیون، نه تنها آخرین امیدها و آرزوهای کارگزاران نظام پهلوی نسبت به صلح و آشتی روحانیت نوگرا با حکومت را نقش بر آب کرد، بلکه برگ زرین دیگری بر دفتر مبارزات امام خمینی افزود.

پذیرفتن کاپیتولاسیون در دولت اسدالله علم

لایحه‌ی مصونیت مستشاران و دیگر تبعه‌ی آمریکا در ایران که در ۱۳ مهر ۱۳۴۲ در کابینه‌ی امیر اسدالله علم به تصویب رسیده بود، در مرداد ماه ۱۳۴۳ برخلاف رویه‌ی قانونی اول به مجلس سنا رفت و مورد تصویب سناتورها قرار گرفت. حسنعلی منصور، که پس از علم به نخست وزیری رسیده بود، لایحه‌ی مزبور را در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ به مجلس شورای ملی برد و از تصویب نمایندگان گذراند. متن لایحه بدین قرار بود: «ماده واحده - با توجه به لایحه‌ی شماره ۱۳۴۲-۱۱-۲۵-۲۱۵۷-۲۱۹۱-۱۸ دولت و ضامنه آن که در تاریخ ۲۱ / ۱۱ / ۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری وقت موصوف دریند، ماده اول قرارداد وین که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق ۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، می‌باشد برخوردار نماید.» تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون در مجلسین سنا و شورای ملی، تقریباً اعلام نشد و مطبوعات کشور نیز، زیر سانسور دولت، از افشای آن خودداری کردند. چندی بعد، نشریه‌ی داخلی مجلس شورا حاوی متن کامل سخنرانی‌ها و گفتگوهای نمایندگان و رئیس دولت در این زمینه، به دست امام خمینی رسید و ایشان را سخت آشفته و منقلب کرد. خبرهای مربوط به آشفته‌نگری امام به تدریج در همه جا منعکس شد؛ افراد بسیاری به قم رفتند و علت یا علل این نگرانی‌ها را جویا شدند

اعلام خطر امام در پی پذیرش کاپیتولاسیون

امام خمینی برای افشای خیانت شاه و دار و دسته‌اش به ایران و جامعه اسلامی، بر آن شدند که با ایراد نطقی حاد و اعلامیه‌ای سازنده، همگان را به مقابله با توطئه شاه و آمریکا، و حرکت و خروش فراخوانند. امام، ابتدا بیک‌هایی را برای آگاه ساختن علما و روحانیون به شهرهای دور و نزدیک روانه کردند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشست و پیامدهای فاجعه را متذکر شدند. با فراهم شدن زمینه‌های مناسب، ۴ آبان ۱۳۴۳ برابر با ۲۰ جمادئ الآخر ۱۳۸۴ برای ایراد سخنرانی تعیین شد. سیل جمعیت از گوشه و کنار کشور و از شهرهای دور و نزدیک برای شنیدن سخنان رهبر نهضت، به قم سرازیر شد. رژیم شاه چون می‌دانست که توسل به زور، نه تنها مفید نخواهد بود که، موجب قاطعیت بیشتر امام خمینی در ایراد سخنرانی خواهد شد، به وسیله دیگری توسل جست؛ یکی از عناصر به ظاهر غیر وابسته و به اصطلاح وچیه‌المه را برای دیدار با رهبر نهضت به قم فرستاد تا ایشان را از حمله به امپریالیسم آمریکا و ایجاد فضای ضد آمریکایی در محیط مذهبی ایران، برحذر دارد. این شخص با تلاش فراوان فقط توانست با فرزند بزرگوار امام، حاج سید مصطفی خمینی ملاقات کند. وی در این دیدار، حمله به آمریکا از سوی امام خمینی را «خطرناک‌تر از حمله به شخص اول مملکت» دانست و توصیه کرد که «آیت‌الله خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی ایراد کنند، باید خیلی مواظب باشند که به دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد؛ دیگر هرچه بگویند، حتی حمله به شخص شاه چندان مهم نیست!» حساسیت شاه با توجه به وابستگی‌هایش به کاخ سفید بی‌مورد نبود، آمریکا در بحران ویتنام و انتخابات ریاست جمهوری (۱۲ آبان ۴۳) و تعیین جانشین کندی مقبول قرار داشت

امام خمینی با آگاهی از این نقطه ضعف رژیم، در سخنان پرشور خود، حمله را مستقیماً متوجه آمریکا کردند و ایالات متحده را با شدیدترین لحن به باد انتقاد و اعتراض گرفتند. ۲۰ جمادئ الثانی ۱۳۸۴ - روز میلاد مسعود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علی‌ها وزاد روز امام خمینی - فرا رسید. جمعیتی که از اطراف و اکناف کشور برای استماع سخنان امام به قم آمده بودند، در این شهر موج می‌زد. منزل امام (واقع در محله‌ی یخچال قاضی)، کوچه‌های اطراف و باغ اناری که مجاور منزل ایشان بود، از جمعیت پر بود. بلندگوهای متعددی در اطراف محل سخنرانی نصب شده بود. ساعت ۸:۳۰ دقیقه بامداد امام خمینی با چهره‌ای برافروخته، چشمانی از شدت خشم و خستگی و بی‌خوابی سرخ شده، جبینی گره خورده و قیافه‌ای آراسته و جذاب در برابر مردم ظاهر شدند. سخنرانی با نام خدای بخشنده و مهربان و آیه‌ی شریفه‌ی «انا لله و انا الیه راجعون» آغاز شد و فریاد شیون و گریه‌ی حاضران، در فضا طنین افکند. هر جمله‌ی امام، به تنهایی حماسه بود؛ جمعیت به هیجان آمد، گریست و در پس اشک‌ها، جوانه‌های انقلابی رویید که ۱۴ سال بعد، شاهد پیروزی‌اش بودیم. امام خمینی در سخنرانی خود فریاد کشیدند: «آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! اگر مملکت ما اشغال آمریکایی است پس بگویند! تمام گرفتاری ما از این آمریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از آمریکاست.» (صحیفه امام؛ جلد ۱، ص ۴۲۲-۴۱۸) امام خمینی در پایان سخنان حماسی خویش فرمودند: «وکلای مجلس سنا خیانت کردند... وکلای مجلس شورا، آن‌هایی که رأی دادند، خیانت کردند به این مملکت. این‌ها وکیل نیستند. دنیا بدانند این‌ها وکیل ایران نیستند! اگر هم بودند من عزلشان کردم. از وکالت معزولند.» (صحیفه امام؛ جلد ۱، ص ۴۲۳) آن‌چه توسط امام در این نطق انقلابی و سراسر شور و حماسه گفته شد، در طول نهضت - تا آن روز - بی‌سابقه بود و نه تنها کنگره‌ی کاخ‌های ستم شاه، که کاخ سفید واشنگتن را هم لرزاند. امام خمینی در این نطق، موضع قاطع و سازش‌ناپذیر خود را در برابر بلوک‌های شرق و غرب روشن ساختند، و سیاست «نه شرقی و نه غربی» را که تا پایان عمر بدان پایبند بودند مورد تأکید قرار دادند. امروز سر و کار ما با آمریکاست. رئیس جمهور آمریکا بدانند - بدانند این معنا را - که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما.» (صحیفه امام؛ جلد ۱، ص ۴۲۰)

حضرت امام همچنین در بیانات خویش اهداف و آرمان‌های روحانیت را مشخص کردند و رهنمودهایی ارزنده و پرمحتوی به نسل معاصر و آینده دادند. امام، عنصر مبارزه‌ی با آمریکا، این عامل واقعی سیه‌روزی ملت ایران و دیگر ملت‌ها را، به گونه‌ای تجزیه‌ناپذیر، از ارکان دور جدید مبارزات ملت ایران معرفی نمودند و جهانیان شاهد بودند که ایشان تا لحظه‌ی رحلتشان بر این اصل پای فشردند. امام خمینی جدا از این نطق تاریخی، در ۴ آبان ۱۳۴۳ با صدور اعلامیه‌ای از توطئه‌ی رژیم بیش از پیش برده برداشتند. این اعلامیه که در آن به مسئله‌ی تغییر شیوه‌ی تحلیف در ارتش نیز اشاره شده بود، در سطح وسیعی چاپ و تکثیر گردیده و در زمان کوتاهی در کلیه شهرستانها توزیع شد. پیش از ۴۰ هزار نسخه از این اعلامیه، فقط در تهران در کمتر از ده دقیقه، به وسیله ۵۰۰ تن از جوانان بازاری و دانشگاهی پخش

پخش شد. شیوه توزیع اعلامیه‌ها به گونه‌ای بود که ساواک را به وحشت انداخت ولی قادر به جلوگیری از آن نشد

واکنش رژیم شاه به افشاگری‌های امام

رژیم شاه که از بالا گرفتن نارضایتی مردم و تحریک افکار عمومی، سخت وحشت کرده بود، دریافت که با بودن رهبر و پیشوای آگاهی چون امام خمینی در ایران، نه تنها پیاده کردن طرح‌های به اصطلاح اصلاحی شاه ممکن نیست بلکه اساس رژیم نیز در معرض زوال قرار دارد، لذا مصمم شد که با دستگیری و تبعید ایشان، خود را از مهلکه رها سازد. شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ صدها کماندو و چترپاز مسلح، خانه‌ی امام را در قم محاصره کردند، از بام و دیوار وارد منزل شدند و برای دستگیری ایشان به جستجو و ضرب و شتم خادمین منزل پرداختند. مأموران، پس از یک سلسله اقدامات توهین آمیز، امام را با اتومبیلی که آماده شده بود، به تهران انتقال دادند. اتومبیل حامل امام، فاصله‌ی بین قم - تهران را در مدتی کمتر از ۹۰ دقیقه پیمود و به فرودگاه مهرآباد رسید. هنوز آفتاب روز ۱۳ آبان سر از افق بیرون نیاورده بود که رهبر بزرگ نهضت، به جرم دفاع از استقلال وطن و بهروزی هموطنان مسلمان خود، از وطن بیرون برده شد و به ترکیه تبعید گردید. در سپیده دم همان روز، فرزند بزرگ امام، آیت الله حاج سید مصطفی خمینی، دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل شد. اطلاعیه‌ی سازمان اطلاعات و امنیت کشور از رادیو پخش و در مطبوعات نیز منتشر شد. متن اطلاعیه بدین شرح بود: «طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه‌ی آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد لذا در تاریخ سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید. ملت بزرگ و فداکار ایران، با دریافت خبر تبعید غیرقانونی رهبر خویش، به اعتصاب و تظاهرات بزرگی دست زدند. و در تهران و قم و بسیاری از شهرستان‌ها، بازارها تعطیل شد. دستگیری و تبعید امام خمینی، با واکنش شدید محافل روحانی نیز روبه‌رو گردید و درس‌های حوزه‌های علمیه و نمازهای جماعت، به عنوان اعتراض، در قم و مشهد و تهران و بسیاری از شهرستان‌ها ۱۵ تا ۳۰ روز تعطیل شد. در این بحبوحه علمای ایران با صدور تلگرام و اعلامیه، پشتیبانی خود را از امام و اهداف ایشان اعلام داشتند. رژیم شاه کوشید با مانورهای فریبنده از خشم مردم بکاهد. از این رو پس از ۵۷ روز، به آزادی آیت الله حاج آقا مصطفی از زندان قزل قلعه مبادرت ورزید و ایشان عازم قم شد؛ اما ساعت ۲ بعد از ظهر ۱۳ دی ماه ۱۳۴۳، برابر با ۲۹ شعبان ۱۳۸۴ زئیس ساواک قم و جمعی از مأموران به خانه‌ی امام خمینی یورش بردند و پس از دستگیری مجدد حاج آقا مصطفی، ایشان را روانه‌ی «تهران ساخته و از آن جا به ترکیه تبعید کردند».

منبع: کوثر، جلد اول، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، صفحه‌ی ۱۶۲ - ۱۶۸



کلمه‌ای ۴ حرفی، پر از حرف‌های نگفته

قضایات‌های نادرست، حرف‌های زجرآور همگی، در بحث بچه‌های طلاق

سمانه میرزایی / ارشد آب و هواشناسی

زمان که رشد میکنی دیگر تمام شده‌اند، دیگر برایت مهم نیستند و رنگ باخته‌اند، همان زمان که می‌اندیشی بزرگ شده‌ای و باید یک زندگی آرام برای خود تشکیل دهی و پایه گذاری کنی، همان زمان و برهه‌ای از زندگی‌ات که حس علاقه نسبت به یک نفر را در وجود خود حس میکنی و با شوقی وافر و انگیزه‌ای قوی قدم در این راه می‌گذاری، درست همان زمان در اوج افکار قشنگی که برای آینده داری و باز هم همان کلمه منحوس بچه طلاق، (ما دختر به پسر شما نمیدهیم چون بچه طلاق است، پوزش میطلبیم اما ما نمیتوانیم بگذاریم، پسر ما با دختر شما ازدواج کند، و اما یک چرای بزرگ، چرا؟ چون بچه‌ی طلاق است.) و در همین تاریخ از زندگی‌ات حسی به مثابه یک خواب قشنگ که در آن غرق شده‌ای و به ناگاه سطلی پر از آب یخ را روی سر و صورت‌ات خالی کرده‌اند. بچه طلاق که باشی کمبودها داری در زندگی، مشهودترین آن شاید کانون گرم خانواده باشد، خانه و خانواده‌ای که در آن مادرانه‌های زنانه مادر روحت را جلا دهد، پدرانه‌های مردانه پدر قوی و محکمت کند. بزرگتر که می‌شوی آن بحث و جدل‌ها، آن سر و صداها پا برجا و قوی‌تر در ضمیر ناخودآگاه‌ات مانده‌اند، مانده‌اند و گاه همان رفتارها یا مشابه آن را از خود بروز میدهی و شاید آن زمان است که می‌اندیشی موضوع طلاق که سالیانی از آن می‌گذرد به نوعی همراه همیشگی تو خواهد بود.

داستان از آنجایی شروع شد، که دو نفر بر حسب علاقه یا وابستگی یا شاید هم اصرار خانواده‌ها برای انجام فریضه مستحب ازدواج راضی به انجام این امر خطیر شدند. اما چرا ازدواج کردن را یک اتفاق یا امر خطیر تلقی میکنیم؟ وقتی از این زاویه نگاه کنیم که این امر مهم ازدواج، نه تنها آینده من و طرف مقابل را تحت الشعاع قرار میدهد، بلکه موضوعی مهمتر و چه بسا عمیق‌تر یعنی زندگی و آینده کودکان آن خانواده و نسل بعدی یک جامعه را سناریو نویسی می‌کند، شاید این امر خطیر ازدواج را با مقداری منطق بیشتر، تاملی عمیق‌تر و شناختی افزون‌تر پیش ببریم. ساده‌تر که بیاندیشیم زمانی که دو نفر یکدیگر را تا حدودی درک کردند، همدیگر را چه زیبا فهمیدند، به شناختی درست و نقطه اشتراکی رسیدند و آرامش را به یکدیگر هدیه دادند نه آن را سلب، ازدواج شاید خوشایندترین اتفاق شود و اما اگر آنگونه نشود من می‌شوم بچه طلاق... به قول معروف می‌شوی نقل مجالس، خدا به داد برسد آن زمان را، همان زمان‌هایی که نقل مجالس می‌شوی، که دیگر کسی را جلو دار این سونامی نیست. همه کنش تو در زندگی به موجب ری اکشن‌های بعدی همان آشنایان است، که هر قدم در زندگی شخصی خود برداری همان تیکه کلام معروف، بچه طلاق است دیگر، را به دنبال دارد. لباسی بیوشی که از نظر آنان متعارف باشد یا نباشد میفرماید بچه طلاق است دیگر، بی صاحب شده است. نوع غذا خوردنت نقل مجالس است، رفت و آمدها نیز، کار و درآمد، نوع کار و محل کار، حرف زدن و نوع رفتار باز نقل مجالس است، خلاصه که چپ بروی بچه طلاق است دیگر، را میشنوی راست بروی باز همین تیکه کلام منحوس را از گوش راست‌ات. بچه طلاق که باشی، فرقی ندارد همسایه باشد یا آشنا، رهگذر خیابان باشد یا فامیل، آنان که منتظر خبر یا حرف و موضوعی هستند که بحث داغ دورهمی هایشان باشد، دیگر با نگاهی معمولی و عادی نظری به شما نمی‌اندازند. گاهی این نگاه‌ها رنگ و بوی ترحم میگیرد: آن زمان که در دورهمی‌های زنان فامیل میشنوی «بیچاره این بچه چه گناهی کرده»، وقتی از کنار همسایه میگذری و به مثال همین حملات را می‌شنوی و آن زمان می‌شود که این حملات و نگاه‌ها متفوق‌ترین‌ها می‌شوند در گوشه‌ای از ذهنت... بچه طلاق که باشی، احتمال منزوی و گوشه گیر شدن‌ات هم بالاست، به قول مادر بزرگ‌ها تارک دنیا میشوی، خانم همسایه نمی‌گذارد با بچه‌اش رفت و آمد کنی، در دورهمی‌های فامیل هم سن و سال هایت را به بهانه‌های مختلف از تو دور می‌کنند که خدایی نا کرده تو که بچه طلاق شده‌ای از مسیر راست زندگی منحرفشان نکنی، آخ از آن زمان که در گوشه زن فامیل در گوش بچه‌هایش را می‌شنوی که نینیم زیاد دور و برش بروید و باهانش معاشرت کنید، و تو میمانی و یک لبخند تلخ بر لبانت و قلبی شکسته و آکنده از درد. آیا یک نفر با درک و منطق در این میان پیدا نمی‌شود که بگوید بچه طلاق شدن مگر تقصیر من است، اصلا مگر بچه طلاق یک بیماری واگیردار به مثال جذام دارد که همه از آن دوری میکنند. شاید گاهی من را مقصر این جدایی بدانند وقتی که به دنبال افکار جاهلانه بگویند: قدم نحسی داشت این بچه. سالیان می‌گذرند و تو هنوز همان بچه طلاق، یک جورایی پسوندی میشود برایت ... شاید نگاه‌ها و رفتار اطرافیان دیگر کمتر آزارت دهد و دیگر اثر بخشی تلخ زمان‌های اولیه را نداشته باشند، اما درست آن

دانشجو سلام

گاہنامہ سیاسی فرہنگی اجتماعی

سال نهم، شماره بیست و ششم، آذر ۱۴۰۰

@Nashriyat_SBU